

ارمغان بیقراری

مجموعه غزلها، سروده‌های دم‌گیری،
میلا دی در رابطه با حضرت مهدی

به انضمام دوبیتی‌های گل‌نرگس

● همراه با نوار سبک سروده‌ها



سراینده: احمد سمیع



اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لَيْلًا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا
وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا
وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

◆ ارمغان بی قراری

◆ شاعر: احمد سمیع

◆ ناشر: انتشارات راه سبز

◆ نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

◆ شابک: X-۱-۹۳۹۴۰-۹۶۴

◆ حروفچینی و صفحه آرایی: سجاد

◆ شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۶۵۰ تومان



انتشارات راه سبز

مجری پروژه: شرکت قدسیان (با مسئولیت محدود)

قم / خ صفائیه / کوی بیگدلی / شماره ۱۴۹

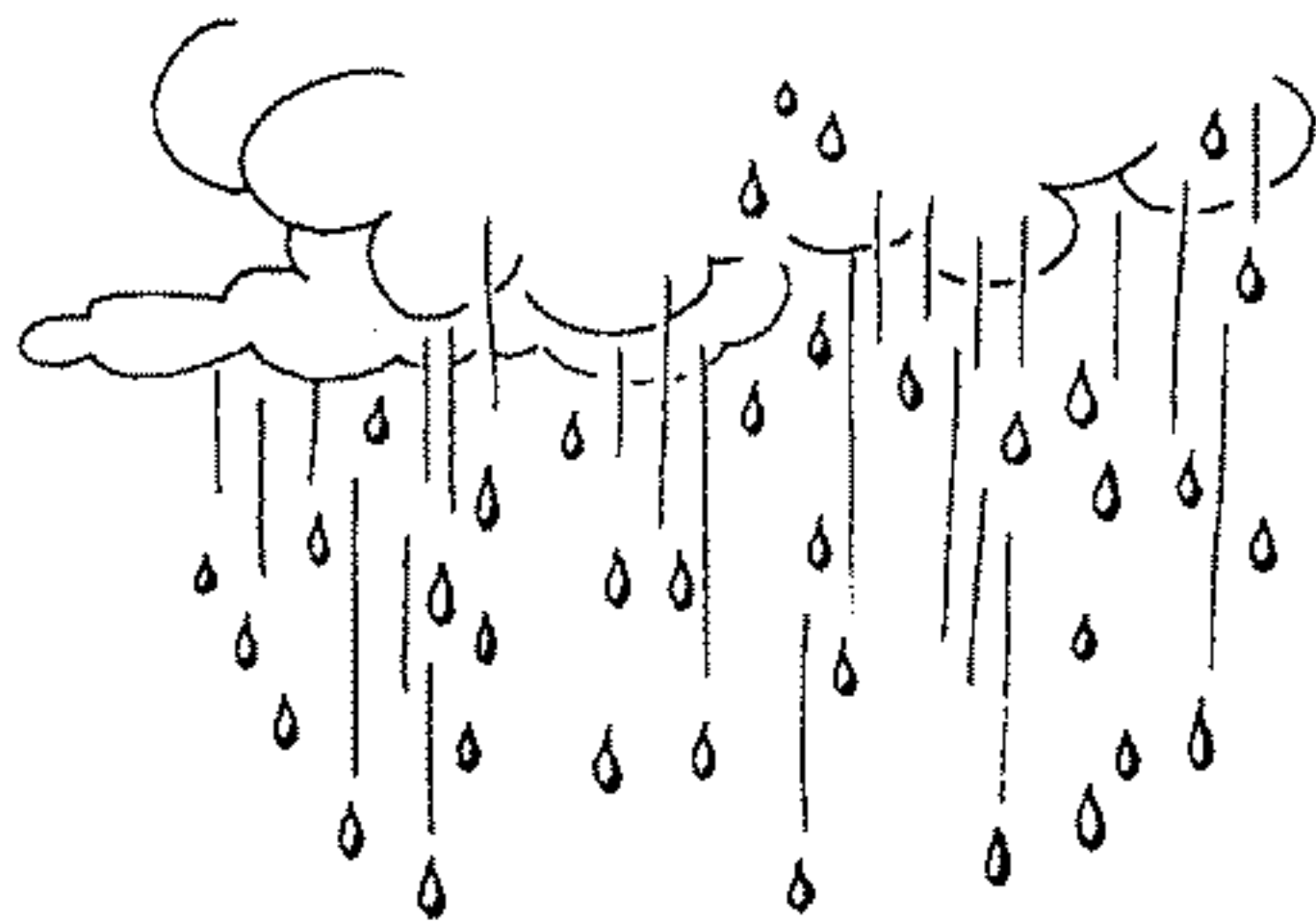
تلفن: ۷۷۴۰۰۶۹ / تلفکس: ۷۷۳۲۷۱۶ / همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۱۳۸۹

فہرست

۷ مقدمہ
۹ آرامش دل
۱۰ خزان جدایی
۱۱ یابن زہرا کی می آبی
۱۲ رنج فراق
۱۳ طلب
۱۴ خاطر افسردہ
۱۵ یاد غربت
۱۶ مستی عاشق
۱۷ آرزوی دل
۱۸ امام زمان و سیدالشہداءؑ
۲۰ السلام علیک یا بقیة اللہ
۲۲ امام زمان (عج)
۲۴ ہنوز مہدی می گرید
۲۶ امام زمان و حضرت زہراؑ

۲۶	داغ مادر
۲۸	وای زهرا مادرم
۲۹	یادگار فاطمه <small>علیها السلام</small>
۳۰	سروده‌های میلادی آخرین شکوفه قرآن
۳۰	سرود نیمه شعبان
۳۱	نیمه شعبان
۳۲	امید آل فاطمه
۳۳	نغمه شادی
۳۴	نیمه شعبان
۳۵	نهال زیبای قرآن
۳۶	خلیفة الرحمان
۳۷	نیمه شعبان
۳۹	نیمه شعبان
۴۰	سرود نیمه شعبان
۴۱	دم گیرهای نوای دل
۴۱	اللهم عجل لولیک الفرج
۴۲	گدای مهدی (عج)
۴۴	یا بن الحسن (عج)
۴۵	کبچه نهان
۴۶	دو بیتی‌های گل نرگس
۹۲	السلام علیک یا علی ابن مهزیار اهوازی
۹۳	آستان مقدس صاحب الزمان (عج)، شهر شوشتر





مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى

شهد شیرین و گوارای انتظار قرنهایست کام شیعیان شوریده سر و منتظران بی قرار حجة ابن الحسن اروحا فداه را حلاوت بخشیده و جانهای آنان را در فراق یار غائب به تلاطم آورده است.

از آن روز که امام ما نقاب غیبت بر صورت زیبای خود گرفت ندای صبح و شام دلدادگان حضرتش چنین بوده است که مَتَى تَرَانَا وَ تَرَاكَ يَا بَنَ الْحَسَنِ؟ و هر جمعه مویه کنان ندبه کرده ایم که هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدُ سَبِيلٌ فَتُلْقِنِي؟

اگر چه غم فراق نه آن می کند که بتوان گفت اما در اردوگاه شیدائیان و چشم انتظاران هر کس به گونه ای اظهار شوق و اشتیاق کرده و وصف محبوب را در جمع عاشقان مهدی فاطمه سلام الله

علیها زمزمه نموده است. در شمار اینان و بلکه در صفوف مقدمشان شاعران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نقشی بی بدیل داشته و به زیبایی در احیای نام و یاد و ذکر فضائل و مناقب امام منتظر انجام وظیفه عاشقی کرده‌اند.

آنچه پیش روی شماست مجموعه‌ی دل گفته‌های برادر عزیز و ارجمند جناب آقای حاج احمد سمیع از مادحان و شاعران خاندان پیامبر پیامبر صلوات الله وسلامه علیهم در دلدادگی به حضرت بقیة الله الاعظم ارواح من سراه فداه می‌باشد که حقیقتاً چون از سوز و گداز درون و سوخته جانی آثار سمیع حکایت می‌کند بی درنگ بر دل می‌نشیند و شعله اشتیاق دیدار یار را افزون می‌نماید.

امید آنکه این تحفه معنوی مقبول نظر ذره پرور آقا و مولایمان امام زمان عجل الله تعالی له الفرج واقع گردد و خداوند سبحان همه ما را در شمار منتظران واقعی و حاضران در رکاب و محضرش قرار دهد.

انشاء الله

اهواز - سید محسن شفیعی

بهار ۱۳۸۴



آرامش دل

قرارم رفته از کف بیقرارم
برای دیدنت چشم انتظارم

بیا آرامش دلهای خسته
که بیش از این دگر طاقت ندارم

اگر چشمم بیفتد بر جمالت
به خاک مقدمت سر می‌گذارم

شب و روزم یکی شد با فراق
ز هجرانت دمسادم اشکبارم

مرا جز نام تو ذکری دگر نیست
شده فریاد یا مهدی (عج) شعارم

سر کویت نشینم تا سحرگاه
به وصلت لحظه‌ها را می‌شمارم

قلم با آه «سائل» کرده فریاد

بیا مهدی (عج)، بیا مهدی (عج)، کنارم



خزان جدایی

نام تو نقش بسته بر آئینه دلم
مهر و محبت تو عجین گشته با گلم

آتشفشان سینه بجوش آمد از فراق
لبریز از مُذاب شده دیده دلم

صدها بهار آمد و سر شد بدون تو
تنها خزان جدائیت حاصلم

هر صبح و شام یوسف زیبای فاطمه
نام مقدس تو بود در مقابلم

همراه با مُنادیان سحر روز جمعه‌ها
بر خاک کوی تو عمریست منزلم

در کنج عزلت ار تو بیایی کنار من
روشن شود ز نور جمال تو محفلم

خلوت نشین محفل اُنسم بیا بیا
دلخسته‌ام به لطف و وفای تو «سائلم»



یابن زهرا کی می آیی

جلوه صبح امیدم، یابن زهرا کی می آیی
دل ز غیر از تو بُریدم، یابن زهرا کی می آیی
سالها چشم انتظار جلوه روی تو بودم
عاقبت رویت ندیدم، یابن زهرا کی می آیی
در حریم بوستانت نغمه سر می دادم اما
گل ز گلزارت نجیدم، یابن زهرا کی می آیی
کودکی رفت و جوانی آمده پیری سراغم
از غم هجرت خمیدم، یابن زهرا کی می آیی
یوسف زهرا گرم بود، از سر کویت نشانی
بی تأمل می دویدم، یابن زهرا کی می آیی
جلوه رویت عیان باشد، من از جرم و معاصی
پرده بر چشم کشیدم، یابن زهرا کی می آیی
کاش یک شب از بقیع و از کنار قبر زهرا علیها السلام
نالها را می شنیدم، یابن زهرا کی می آیی
«سائلی» درمانده ام در شام هجران ظهورت
جلوه صبح امیدم، یابن زهرا کی می آیی



رنج فراق

کجایی یوسف زهرا کجایی
غم هجران ما را آشنایی
غم و رنج فراق کرده پیرم
اسیرم در شب سخت جدایی
نمی دانم به صحرای بقیعی
به کوه طور یا دردی طوایی
سلامم را رسان بر جد پاکت
اباصالح اگر در کربلایی
دلم تنگ آمد از چشم انتظاری
عزیز فاطمه علیها السلام پس کی می آیی
میان چاه تنهایی اسیری
همیشه غرق در سوز دعایی
درین دریای طوفانی مگر تو
بر این کشتی نمایی ناخدایی
ازین طوفان ظلم و جور مهدی (عج)
به لطف خود جهان را ده رهایی



طلب

دل هر نفسی روی ترا می طلبد
زلف و سر گیسوی ترا می طلبد

پر می کشد هر دم به هوای رخ تو
پرواز کنان کوی ترا می طلبد

با تیر مژه دیده دل منتظر است
هر دم خم ابروی ترا می طلبد

با زمزمه نام خوشت یا مهدی (عج)
پیوسته دلم روی ترا می طلبد

گاهی ز حریم کعبه و کربلا
عطر گل خوشبوی ترا می طلبد

یا بر سر تربت غریب زهرا (س)
آن قامت دلجوی ترا می طلبد

هر جمعه به آب دیده و سوز دعا
دیدار ز مینوی ترا می طلبد



خاطر افسرده

پرتو ماه رخت یکسره مفتونم کرد
خاطر افسرده، پریشان زده مجنونم کرد
چشمه چشم من از خون جگر می جوشد
غربت ای پسر فاطمه علیها السلام محزونم کرد
آرزویم همه یک عمر به دیدار تو بود
شام هجران تو ماتم زده دل خونم کرد
غرق گرداب معاصی شده بودم مهدی (عج)
عشق ماه رخ تو سخت دگرگونم کرد
بعد یک عمر پریشانی و سرگردانی
نظر لطف تو زین دایره بیرونم کرد



یاد غربت

دلم گرفته به یاد غریبیت مهدی (عج)

به رنج بی کسی و بی حبیبیت مهدی (عج)

ز دردهای درونت کسی نشد آگه

فدای درد دل بی طبیعت مهدی (عج)

مرا به سوز غمت آشنا کن ای مولا

فدای سینه محنت نصیبیت مهدی (عج)

غبار ناله و اندوه مانده بر قلبم

ز سوز ناله اَمَّنْ يُجِيبُتِ مهدی (عج)

به جان مادر پهلوی شکسته‌ات سوگند

دلم گرفته بسیاد غریبیت مهدی (عج)



مستی عاشق

آسمان دیده‌ام با ماه رویت دیدنی است
بوستان سینه‌ام با رنگ و بویت دیدنی است
گرچه محروم ز دیدار رخ زیبای تو
نغمه لبهای من با گفتگویت دیدنی است
می‌رباید زلف مشکینت قرار از سینه‌ها
عاشقان را جلوه هر تار مویت دیدنی است
خاک کویت خاک رضوان است و با عطر بهشت
خاکبوسم کن که خاک مشکبویت دیدنی است
عالمی با قطره‌ای از جام وصلت مست شد
مستی ام با جرعه‌ای می از سبویت دیدنی است
«سائلی» دلخسته‌ام مشتاق خاک کوی تو
ای عزیز فاطمه چون خاک کویت دیدنی است



آرزوی دل

دل آرزوی تو دارد عنایتی مهدی (عج)

هوای کوی تو دارد عنایتی مهدی (عج)

گرفته سینه تنگم ز داغ هجرانت

امید روی تو دارد عنایتی مهدی (عج)

شمیم عطر جنان دارد و صفای بهشت

دلی که بوی تو دارد عنایتی مهدی (عج)

شده ز خون جگر دیدگان من لبریز

که جستجوی تو دارد عنایتی مهدی (عج)

ز راه لطف نظر کن به «سائلی» غمگین

که دل به سوی تو دارد، عنایتی مهدی (عج)



امام زمان و سیدالشهدا علیهم السلام

فغان مهدی ز کوه و صحرا می آید

ای وای از غربت حسین (ع)

نوای سوز عزیز زهرا می آید

ای وای از غربت حسین (ع)

ای وای از غربت حسین (ع)

بیاد مظلومی حسین هنوز دل در تلاطم است

زماتمش آسمان دیدگان همه غرق انجم است

جهان هنوز از مصیبتش میان امواج غم گم است

ز هر کران ناله‌ای غم افزا می آید

ای وای از غربت حسین

نوای مهدی فاطمه (س) هنوز پیچیده در فضا

بیاد جدّ غریب خود به یاد صحرای کربلا

به خیمه غم گرفته‌اش نموده بزم عزا بپا

ز دلربا نغمه‌های مولا می آید

ای وای از غربت حسین

بیاد مظلومه عمّه‌اش لب از تبسم بُریده است

به دیدگان زین غم بزرگ بساط شادی ندیده است

چنان روان گشته دیده‌اش که خار در آن خلیده است

صدایش از دشت و کوه و دریا می آید

ای وای از غربت حسین



فرشتگان گرد گبندش به نوحه خوانی به سر زنان
بر آستان مقدسش کبوتران بال و پر زنان
مَلک از این داغ جانگداز به دیده خون جگر زنان
ز باغ جنت فغان حورا می آید
ای وای از غربت حسین
زمین کربلا بر این مصیبت و غم می لرزد
دل مُحبتین به یاد این بزرگ ماتم می لرزد
هنوز ارکان عرش حق هنوز عالم می لرزد
صدای ناله ز عرش اعلا می آید
ای وای از غربت حسین



السلام علیک یا بقیة الله

منتقم خون خدا یا حجة الله یا بقیة الله
 وارث داغ شهداء یا حجة الله یا بقیة الله
 گریه جانسوز شبت گشته حسینی همه شب
 زمزمه روی لب ت گشته حسینی همه شب
 نغمه یا رب یارب ت گشته حسینی همه شب
 داغ حسین کشته ترا یا حجة الله یا بقیة الله
 می چکد از دیده تو خون جگر تا به سحر
 جاری چشمان تو شد خون دل از دیده تو
 در حرم کربلا کرده سفر کرده سفر
 میرسد از کربلا یا حجة الله یا بقیة الله
 یاد لب خشک حسین بر دلت افکنده شرر
 تا به قیامت ز غمش می زنی بر سینه و سر
 چون علی اصغر او پیش تو آید بنظر
 ناله زنی در همه جا یا حجة الله یا بقیة الله
 خوانده ترا رأس حسین از دل تاریخ زمان
 می شنوی هر شب و روز العطش تشنه لبان
 توشه هر روزه تو گشته فغان گشته فغان
 رفته فغانت به سما یا حجة الله یا بقیة الله



بَقِيَّةُ
حَسَنِ كَرِيمٍ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ

پُر شده از داغ حسین خلوت تنهایی تو
سوز عزا همنفس ناله صحرایی تو
موج زُند شب همه شب دیده دریایی تو

در غم داغ اسرا یا حجة الله یا بقية الله



امام زمان (عج)

می‌گیرم - می‌سوزم به عزایت یا جدّا
می‌ریزم خون از دیده برایت یا جدّا

* * *

می‌گیرم از غم تو یا جدّا یا جدّا
از داغ ماتم تو یا جدّا یا جدّا
تا باشم همدم تو یا جدّا یا جدّا
جان عالم گردد بفدایت یا جدّا

* * *

تا به قیامت ز غمت اشک بصر می‌ریزم
اشک بصر، خون دل از دیده‌تر می‌ریزم
خون جگر از سر شب تا به سحر می‌ریزم
قربان خونین رأس جدایت یا جدّا

* * *

قربان خفته بخون پیکر تو یا جدّا
قربان خون رگ حنجر تو یا جدّا
قربان آن بدن اطهر تو یا جدّا
بر عالم بر پا گشته لوایت یا جدّا

* * *



قربان صوت خوش قرآنت یا جدّا

قربان لعل لب عطشانت یا جدّا

قربان اشک رخ طفلانت یا جدّا

قربان آه و سوزِ نوایت یا جدّا

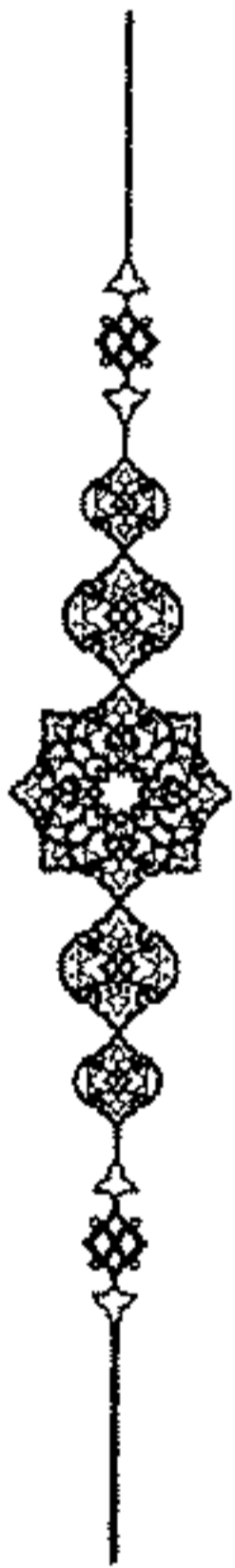
* * *

خیل ملک در حرمت غرق نماز یا جدّا

تا به قیامت همه در سوز و گداز یا جدّا

ای به دل خسته تویی محرم راز یا جدّا

بر سینه «سائل» زد به رشایت یا جدّا



هنوز مهدی می‌گرید

به یاد روز عاشورا هنوز مهدی می‌گرید
برین عزای جان فرسا هنوز مهدی می‌گرید

* * *

هنوز مهدی می‌گرید بر آن گلوی سبریده
بر آن تن پاره پاره به جسم در خون خوابیده
هنوز اشک و خون دایم روانه دارد از دیده
به دشت و دامان صحرا هنوز مهدی می‌گرید

* * *

هنوز دریایی از خون ز چشم مهدی می‌جوشد
به غربت جد پاکش هنوز نیلی می‌پوشد
هنوز جام ماتم را در این مصیبت می‌نوشد
ز دیدگان خون‌پالا هنوز مهدی می‌گرید

* * *

هنوز مهدی می‌گرید ز دیدگان هر صبح و شب
هنوز مهدی می‌گرید به عمه پاکش زینب
هنوز فریاد و ناله ز غربتش دارد بر لب
بیاد بانوی عظمی هنوز مهدی می‌گرید

* * *

هنوز مهدی بنشسته به سوگ گل‌های پرپر

گرفته ماتم بر عباس و قاسم و عون و جعفر

هنوز مهدی می‌گرید به حلق عطشان اصغر

به اکبر احمد سیما هنوز مهدی می‌گرید

* * *

هنوز می‌سوزد قلبش به اشک مظلوم طفلان

به خیمه‌های پر آتش در آن بیابان سوزان

هنوز مهدی می‌گرید بر آن یتیمان عطشان

بر آن یتیمان تنها هنوز مهدی می‌گرید

* * *

هنوز فریاد مهدی ز کوه و صحرا می‌آید

فغان او بر اندوه عزیز زهرا می‌آید

نوای جانسوزش بر این غریب و تنها می‌آید

به میوه قلب زهرا هنوز مهدی می‌گرید



امام زمان و حضرت زهرا علیها السلام

داغ مادر

از کنار تربت پنهان زهرا می‌رسد فریاد مهدی (عج)

در رثای مادرش ام بیها می‌رسد فریاد مهدی (عج)

با گذشت سالها از ماتم زهرای اطهر

نالۀ مهدی رسد بر گوش در اندوه مادر

اشک می‌ریزد کنار تربتش تا روز محشر

ناله‌اش می‌آید از دامان صحرا

می‌رسد فریاد مهدی (عج)

گاه فریاد آید از قلب غمین و خسته‌ء او

گاه گرید بر علی و دستهای بسته‌ء او

یا به زهرا گرید و آن پهلوئی شکسته‌ء او

در غم و اندوه این بانوی عظمی

می‌رسد فریاد مهدی (عج)

لب به شادی وا نکرده بعد مرگ مادر خود

زین مصیبت اشک می‌ریزد ز چشمان تر خود

تا قیامت خلعت شادی ندارد در بر خود

مجلس ماتم به یادش کرده بر پا

می‌رسد فریاد مهدی (عج)

بعد مرگ مادرش مهدی دگر عیدی ندارد
تا قیامت سر به دامان مصیبت می‌گذارد
تا ز خاک تیره جسم آن دو جانی را بر آرد
تا بگیرد انتقام مادرش را

می‌رسد فریاد مهدی (عج)

در غریبی مانده قرآن یا ولی الله اعظم
گشته دنیا مثل زندان یا ولی الله اعظم
درد ما بنمای درمان یا ولی الله اعظم
جان زهرا مادرت، دلخسته مولا

می‌رسد فریاد مهدی (عج)





وای زهرا مادرم

وای زهرا مادرم

وای زهرا مادرم

این صدای کیست می نالد چنین
گوئیا مهدی است می گرید حزین
این صدای کیست آید از بیابان بقیع
اشک چشم کیست می ریزد به دامن بقیع
با فغانش ناله دارد خاک سوزان بقیع
ناله دارد با فغانی آتشین

وای زهرا مادرم

می زند آتش جهان را با نوای ماتمش
خرمن هستی گرفت آتش ز آهنگ غمش
تا قیامت اشک خونین گشته تنها همدمش
ناله هایش رفته تا عرش برین

وای زهرا مادرم

گوئیا بنشسته مهدی در عزای مادرش
اشک غم پیوسته می ریزد برای مادرش
ناله دارد روی خاک کربلای مادرش
کز فغانش لوزه‌ها دارد زمین

وای زهرا مادرم

ناله دارد مادرا جانم شود قربان تو
کاش بودم می نمودم جان فدای جان تو
غرق خون شد دیده‌ام از داغ بی پایان تو
در عزایت گشته‌ام با غم قرین

وای زهرا مادرم

یادگار فاطمه علیها السلام

یادگار فاطمه یابن الحسن کو مزار فاطمه یابن الحسن
ای قرار فاطمه یابن الحسن کو مزار فاطمه یابن الحسن
کو مزار فاطمه یابن الحسن

ای همه دار و ندار فاطمه جاودانه یادگار فاطمه
تا قیامت بیقرار فاطمه داغدار فاطمه یابن الحسن
کو مزار فاطمه یابن الحسن

کاش بودی در کنار مادرت می‌شدی در کوچه یار مادرت
چشم هستی بیقرار مادرت اشکبار فاطمه یابن الحسن
کو مزار فاطمه یابن الحسن

ای مدینه شاهد اشک غمت شاهد اندوه اشک ماتمت
داغ مادر تا قیامت همدمت بیقرار فاطمه یابن الحسن
کو مزار فاطمه یابن الحسن

ای همه هستی فدای هست تو رکن عالم جملگی پا بست تو
دیده غمدیدگان بر دست تو لاله زار فاطمه یابن الحسن
کو مزار فاطمه یابن الحسن

کاش وقتی پهلوی زهرا شکست کشتی دین در گل ماتم نشست
کاش بودی ای علی را بودو هست ای قرار فاطمه یابن الحسن
کو مزار فاطمه یابن الحسن



سروده‌های میلادی آخرین شکوفه قرآن

سرود نیمه شعبان

مقدمت مبارک خلیفة الرحمن یا مهدی

مقدمت مبارک ودیعة یزدان یا مهدی

مقدمت مبارک

اسیر و مفتون نیکی خصالت جهان گرفتار حلقه وصال

امام انس و جان یا مهدی خجل شده ماه از جلوه جمالت

مقدمت مبارک

جهان هستی خرم شده است و گلشن ز یمن میلادت دیده گشته روشن

آیا مه تابان یا مهدی گرفته امشب نرگس ترا به دامن

مقدمت مبارک

صفا ز الطاف کبریا گرفته ز شوق دیدارت دل صفا گرفته

پناه محرومان یا مهدی بسوی حق دستی بر دعا گرفته

مقدمت مبارک

گرفته می بوسد طلعت نکویت شد عسگری امشب شادمان ز رویت

شکوفه قرآن یا مهدی روان او گشته مست عطر و بویت

مقدمت مبارک

سحر گه امید یا بقیة الله عدالت و توحید یا بقیة الله

امید مظلومان یا مهدی درخشش خورشید یا بقیة الله

مقدمت مبارک



نیمه شعبان

سنگ صبوری عاشقان مهدی صاحب الزمان
صبح امید شیعیان مهدی صاحب الزمان

* * *

راز و نیاز ما تویی قبله راز ما تویی
مهر نماز ما تویی سوز و گداز ما تویی
دل به تو بستم (بیا) از همه رستم (بیا) بگیر دستم (بیا)

نشان رحمت عیان

مهدی صاحب الزمان

خلیفه خدا تویی وارث انبیا تویی
ولی عصر ما تویی جود تویی، صفا تویی
همیشه یارم (بیا) دارو ندارم (بیا) صبر و قرارم (بیا)

امام خوب و مهربان

مهدی صاحب الزمان

آئینه خدا نما روح بلند انبیا
حسن جمال کبریا تو روح مهری و وفا
امید جانم (بیا) روح و روانم (بیا) ذکر زبانم (بیا)

هستی کل این جهان

مهدی صاحب الزمان

تبیغ عدالت خدا آیه رحمت خدا
نقش محبت خدا دست عنایت خدا
پشت و پناهم (بیا) چراغ راهم (بیا) نور نگاهم (بیا)

صبح امید شیعیان

مهدی صاحب الزمان

امید آل فاطمه

عاشق دیدار توأم
من که خریدار توأم
امید آل فاطمه (س)
امید آل فاطمه (س)

* * *

شمع و چراغ خانه نرگس
نور دل و دردانه نرگس
یوسف زهرا (یا مهدی) حجت یکتا (یا مهدی) نرگس زیبا (یا مهدی)
بلبل گلزار توأم
امید آل فاطمه (س)

* * *

جان جهان و هستی عالم
ماه جمالت برده ز دل غم
درّ ولایت (یا مهدی) شمع هدایت (یا مهدی) نما عنایت (یا مهدی)
مرغ گرفتار توأم
امید آل فاطمه

* * *

پای قدومت خیل ملک شاد
گشته جهان از غم همه آزاد
در تن ما جان (یا مهدی) دارو درمان (یا مهدی) منجی انسان (یا مهدی)
طالب رخسار توأم
امید آل فاطمه



نغمه شادی

سامره گشته طور تجلی کف بزیند

خانه نرگس گشته چه زیبا کف بزیند

* * *

اختر برج فاطمه امشب جلوه نمود

باب عطا را حق بروی ما جمله گشود

خیل ملک از عرش خدا مشغول فرود

گلشن نرگس گشته شکوفا کف بزیند

* * *

قبله امید همه عالم جان جهان

منجی قرآن، ناصر دین در عصر و زمان

ماه رخ نور انیش امشب گشته عیان

جلوه نموده کعبه دلها کف بزیند

* * *

گشته معطر از گل رویش روی زمین

مجلس ما با نغمه شادی گشته قرین

گشته سراسر شور و شرف در عرش برین

پای قدم نوگل زهرا کف بزیند

* * *

عسگری امشب گشته وجودش غرق سرور

خانه اش از ماه رخ مهدی شد پر نور

سامره دارد جلوه ای همچون جلوه طور

سامره شد چون وادی سینا کف بزیند

* * *



نیمه شعبان

مهدی زهرا خوش آمد	ناخدای کشتی دین
مهدی زهرا خوش آمد	شادی دل‌های غمگین
* * *	
آفتاب صبح امید	جلوه زیبا کرده امشب
می‌درخشد نور خورشید	در دل ظلمت دوباره
پرتو انوار توحید	نور باران شد جهان از
مهدی زهرا خوش آمد	منجی احکام و آئین
* * *	
می‌زند داد عدالت	این حقیقت جو که دائم
بانگ و فریاد عدالت	بر فراز بام هستی
باز بنیاد عدالت	آمده بر پا نماید
مهدی زهرا خوش آمد	حامل پیغام شیرین
* * *	
آمده میلاد مهدی (عج)	جشن شادی گشته بر پا
روی لب با یاد مهدی (عج)	خنده دارد نرگس امشب
می‌کشد فریاد مهدی (عج)	شادمان پیوسته امشب
مهدی زهرا خوش آمد	زمزم طاهها و یاسین
* * *	
می‌دهد امشب بشارت	پیک شور و شادمانی
می‌دهد امشب بشارت	نغمه‌های جاودانی
می‌دهد امشب بشارت	جلوه‌های آسمانی
مهدی زهرا خوش آمد	شادی دل‌های غمگین



نهای زیبای قرآن

میر کاروان (مهدی) صاحب الزمان (مهدی)

مقدمت مبارک

ای شکوفه قرآن روی شاخسار دین

وی وجود پاک تو عزّ و افتخار دین

آبروی اسلام و روح اعتبار دین

لطف بیکران (مهدی) نور آسمان (مهدی)

مقدمت مبارک

ای نهای زیبایی، میوه دل نرگس

آفتاب عدل و داد نور منزل نرگس

ای دلیل آزادی وی تو حاصل نرگس

عشق عاشقان (مهدی) نغمه بیان (مهدی)

مقدمت مبارک

ای که بر محبانت دیده از کرم داری

وی پناه و امید شیعه در گرفتاری

بی کسان عالم را مونس و غمخواری

یار بی کسان (مهدی) طاووس جنان (مهدی)

مقدمت مبارک

سرزمین دلها را جلوه و صفا دادی

سینه سیاهم را از کرم جلا دادی

جان مرده را آب از چشمه بقا دادی

ای حیات جان (مهدی) قلعه امان (مهدی)

مقدمت مبارک



خلیفة الرحمان

ای پناه مظلومان یا خلیفة الرّحمان

صاحب الزمان مهدی (عج)

دست ما بدامانت ای ودیعة یزدان

صاحب الزمان مهدی (عج)

پرکشد دلم امشب در هوای دیدارت

عاشقانه می‌گردد گرد ماه رخسارت

نور عالم هستی آفتاب جاویدان

صاحب الزمان مهدی (عج)

ای شکوفه توحید میوه دل نرگس

پرتو زُخت باشد شمع منزل نرگس

ای امید این عالم گنج مخفی قرآن

صاحب الزمان مهدی (عج)

دیدهام بود هر دم رو به سوی تو مهدی (عج)

توتیای چشمانم خاک کوی تو مهدی (عج)

جلوه جمال تو می‌دهد مرا درمان

صاحب الزمان مهدی (عج)



نیمه شعبان

جوانان بیارید گل دسته دسته

مهدی بر دامن نرگس نشسته

* * *

میرسد دم بدم بوی بهشتی

بوی گلهای دلجوی بهشتی

حوریان دسته گل آورده امشب

دسته گلهای نیکوی بهشتی

جوانان بیارید گل دسته دسته

مهدی بر دامن نرگس نشسته

* * *

سامرا طور سینا گشته امشب

کعبه عشق دلها گشته امشب

خانه عسگری شد نور باران

بهر مهدی مهیا گشته امشب

جوانان بیارید گل دسته دسته

مهدی بر دامن نرگس نشسته

* * *



دیده نرگس امشب مانده بیدار

مانده چشم انتظار لطف دلدار

تا سحر گشته مشغول عبادت

در تماشای ماه روی دلدار

جوانان بیارید گل دسته دسته

مهدی بر دامن نرگس نشسته

* * *

گشته پیدا جمال حُسن معبود

شد شکوفا گل گلزار محمود

بی پناهان پناه عالم آمد

آمده در جهان مهدی موعود

جوانان بیارید گل دسته دسته

مهدی بر دامن نرگس نشسته

* * *

آفرینش همه غرق سرور است

موسم جلوه بدر البدور است

جشن میلاد مهدی آمد امشب

کف بزن موسم شادی و شور است

جوانان بیارید گل دسته دسته

مهدی بر دامن نرگس نشسته



نیمه شعبان

ای گل من تو بهار هر چمنی عشق منی تو امید قلب منی
کن نظری با تو گویم من سخنی گل زهرایی
گل نرگس یا مهدی (عج)

منتظرم به کنار خاک رخت تا که به من ز وفا افتد نگهت
جان و دلم به فدای روی مهت تو چه زیبایی
گل نرگس یا مهدی (عج)

قبله من رخ زیبای تو بود چهره من به کف پای تو بود
هستی من به تمنای تو بود چه دلارایی
گل نرگس یا مهدی (عج)

ای صنما که ربودی دل ز دلم گشته عجین ز ازل مهت به گلم
از غم تو همه شب من خسته دلم که تو باز آیی
گل نرگس یا مهدی (عج)

عشق تو شد همه شب اندیشه من خورده گره غم تو با ریشه من
عاشقم و شده عشقت پیشه من شب تنهایی
گل نرگس یا مهدی (عج)



سرود نیمه شعبان

مژده جشن و سرور ز کوی جانان رسید

منجی قرآن رسید

بوی گل نرگس از ساحت بستان رسید

منجی قرآن رسید

* * *

نرگس زیبا ز نو غنچه لب باز کرد

باز میان چمن زمزمه آغاز کرد

عشوه گری باز با قامت طناز کرد

مژده دهید عاشقان خجسته مهمان رسید

منجی قرآن رسید

دامن نرگس پر از لاله شد و نسترن

خانه او شد معطر ز گل یاسمن

به به ازین کودک پاک و سیمین بدن

رایحه ای با صفا ز باغ رضوان رسید

منجی قرآن رسید

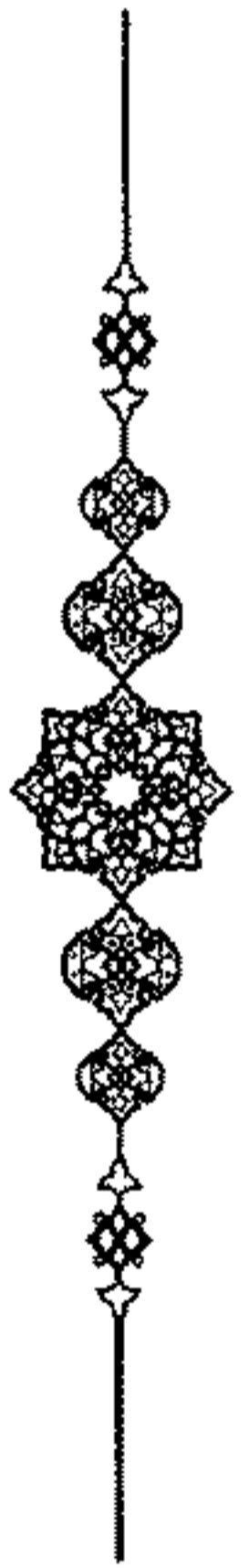
رایت فتح و ظفر باز پدیدار شد

از برکات خدا عالمی سرشار شد

لطف و عنایات حق ما همه را یار شد

منجی بر حق دین هدیه قرآن رسید

نیمه شعبان رسید



دم گیرهای نوای دل

اللهم عجل لوليک الفرج

با فریاد دعای خیل فرشتگان

خیزد هر سو نوای جانسوز عاشقان

اللهم عجل لوليک الفرج

ای یادگار فاطمه علیها السلام - وی داغدار فاطمه علیها السلام - آندوهبار فاطمه علیها السلام

هر صبح جمعه مولا صاحب الزمان

خیزد هر سو نوای جانسوز عاشقان

اللهم عجل لوليک الفرج

ای وارث غم حسین علیها السلام - غمگین از ماتم حسین علیها السلام - چشمت شد زمزم حسین علیها السلام

با یادت خورشید پنهانی و عیان

خیزد هر سو نوای جانسوز عاشقان

اللهم عجل لوليک الفرج

یابن زهرا بیا ببین - زین ظلمهای آتشین - جاری شد خون روی زمین

گشته جاری سیلاب خون شیعیان

خیزد هر سو نوای جانسوز عاشقان

اللهم عجل لوليک الفرج

تو فریاد عدالتی - دریای جود و رحمتی - بر ما بنما عنایتی

با اشک جاری دیده سوی آسمان

خیزد هر سو نوای جانسوز عاشقان

اللهم عجل لوليک الفرج

گدای مهدی (عج)

گرفته‌ام به سوی حق همیشه دست دعا را
به لب گرفته سرود نوای مهدی بیا را
که شبی به کنج خلوت شنوم دعای مهدی (عج)
شده‌ام گدای مهدی (عج)
خدا دهد به من دل شکسته فیض حضورش
خدا کند که بینم سپیده گاه ظهورش
دل من فدای مهدی (عج) شده‌ام گدای مهدی (عج)
شده‌ام گدای مهدی (عج)
خدا کند که بینم جمال غرقه نورش
به لب تبسم شادی به لب سرود سرورش
هستیم فدای مهدی (عج) دل من برای مهدی (عج)
شده‌ام گدای مهدی (عج)
برای دیدن رویش نشسته‌ام سر کویش
دلم بهانه گرفته برای دیدن رویش
دل خسته‌ام ز طفلی شده آشنای مهدی
شده‌ام گدای مهدی (عج)
خدا کند که بینم به وقت نصرت قرآن
جمال یوسف زهرا علیها السلام کنار قبر شهیدان
سر تربت شهیدان شنوم صدای مهدی (عج)
شده‌ام گدای مهدی (عج)



گرفته دست دعا را به بارگاه خدایی

مسافر شب غربت خدا کند که بیایی

منم و دعای مهدی (عج) شده ام گدای مهدی (عج)

شده ام گدای مهدی (عج)



یابن الحسن (عج)

پیوسته می‌تپد دلم برای تو یابن الحسن (عج)

هر صبح جمعه می‌زنم صدای تو یابن الحسن (عج)

عشق من، تمام هستم دل ز غیر تو گسستم

که نظر کنم به رویت سر راه تو نشستم

گشته مویم سفید و روی من سیاه یابن الحسن (عج)

شاید یک لحظه سوی من کنی نگاه یابن الحسن (عج)

همه شب به گفتگویم ز کجا ترا بجویم

اگر آبرو ندارم تو بیا ده آبرویم

بر پیکر بخون شناور حسین یابن الحسن (عج)

بر اشک دیدگان خواهر حسین یابن الحسن (عج)

سر و جان من فدایت بفدای ناله هایت

ز کرم مرا دعا کن وقت خواندن دعایت



کعبه نهان

ای کعبه نهان - ای یار عاشقان - یا صاحب الزمان

ای نور دیده - زهرا مهربان - یا صاحب الزمان

اشک شبت گلاب قبر فاطمه علیها السلام

ای رویت آفتاب قبر فاطمه علیها السلام

شمع مزار آن - بانوی بی نشان - یا صاحب الزمان

قربان ناله و اشک شبانه ات

خاک مزار زهرا گشته خانه ات

گشته ز ماتمش - داغ تو جاودان - یا صاحب الزمان

دلهای غمزده دنبال روی توست

چشمان غرق خون پیوسته سوی توست

در هجر روی تو - شد دیده خون فشان - یا صاحب الزمان

نام خوشت شده ذکر مدام ما

پیوسته سوی تو باشد سلام ما

ای نور دیده - زهرا مهربان - یا صاحب الزمان علیها السلام

دو بیتی‌های گل نرگس

گل نرگس گل خوشرنگ و آبم ز هجرانت برون شد صبر و تابم
دلم می‌خواست از روی محبت گل نرگس شبی آبی بخوابم

گل نرگس شوم قربان نامت شوم قربان آهنگ کلامت
گواهی ای عزیز جان زهرا علیها السلام شده ذکر شب و روزم سلامت

گل نرگس تو هستی اعتبارم به لطف و رحمت امیدوارم
گذشته عمر من با شرمساری به غیر از معصیت چیزی ندارم

گل نرگس نظر کن حال زارم ببین فریاد قلب بی قرارم
ز هجران جمال انور تو چو ابر نوبهاری اشکبارم

گل نرگس هوای گریه دارم به لبهایم نوای گریه دارم
برای دیدن رخسار ماهت همیشه های های گریه دارم

گل نرگس بلور چلچراغم گل نرگس گل گلهای باغم
گرفتم انس با عشق تو شاید ز لطف و مهر خودگیری سراغم



گل نرگس نوای صبحگاهم
دلی دارم اسیر درد هجران
تویی تنها تویی، پشت و پناهم
گواهی تو گواهی تو گواهم

گل نرگس گرفتار تو هستم
ایا ای یوسف بازار عشقم
تو گل هستی و من خار تو هستم
خریدارم خریدار تو هستم

گل نرگس تویی تنها نگارم
به یاد دیدن ماه جمالت
تویی درمان قلب داغدارم
چو مجنون رو به صحرا می گذارم

گل نرگس تماشا کن دلم را
مریضم، دردمندم، بی نوایم
رها از قید دنیا کن دلم را
مداوا کن، مداوا کن دلم را

گل نرگس چراغ بی نشانم
مُرادم، عشق و ایمانم تویی تو
فدای نور رویت جسم و جانم
بود پیوسته نامت بر زبانم

گل نرگس سرور هر شب من
چنان می سوزم از عشقت که عالم
بود ذکر تو دایم بر لب من
گرفته آتش از سوز تب من

گل نرگس تویی تنها قرارم
غم هجران تو دیوانه ام کرد
تمام هستی و دار و ندارم
که سر بر کوه و صحرا می گذارم

گل نرگس تویی درمان دردم بین رخسار زرد و آه سردم
شب و روز از فراق ناله دارم به لب نام ترا دارم به هر دم

گل نرگس خمیدم از فراق چه محنتها کشیدم از فراق
شدم مجنون هر کوی و بیابان ملامتها شنیدم از فراق

گل نرگس گل زهرا نشانم گل نرگس صفای جسم و جانم
چنان خو کرده‌ام با مهرت ای گل شده نام خوشت ذکر زبانم

گل نرگس گل نرگس کجایی اسیرم در شب سخت جدایی
رهایم کن ازین صحرای غربت تو که با درد هجران آشنایی

گل نرگس بیا یک شب به خوابم بین از درد عشقت در عذابم
مرا با جام وصلت مست گردان شرابم ده شرابم ده شرابم

گل نرگس ز عشقت ناله دارم غمی جانسوز و چندین ساله دارم
چو گل با یاد رویت هر سحرگاه به دامن ز آب مژگان ژاله دارم

گل نرگس به دل مهر تو دارم امیدم، اعتبارم، افتخارم
قبولم کن که باشم در کنارت اگر ناقابل، کمتر ز خارم

گل نرگس بهار سرنوشتم
به لوح سینه هر شب تا سحرگاه
گل نرگس گل باغ بهشتم
کتاب داغ هجرانت نوشتم

گل نرگس نشستم تا سپیده
سر راهت عزیز قلب زهرا
غمین و دل شکسته، قد خمیده
روان کردم ز مژگان آب دیده

گل نرگس نظر بنما به حال
برای دیدن ماه جمالت
غم هجران تو بشکسته بالم
عزیز فاطمه تا کی بنالم

گل نرگس ز بویت مست مستم
چنان بر خاک کویت می نشینم
به وصلت عاشقانه پای بستم
که افتد دامن مهرت به دستم

گل نرگس توئی تنها مُرادم
میان شعله عشقت اسیرم
تویی ذکر خوش هر بامدادم
کرامت کن برس یکدم بدادم

گل نرگس صفای خانه دل
رسد هر دم ز هجران جمالت
چراغ روشن ویرانه دل
سرود نغمه مستانه دل

گل نرگس صفا دادی دلم را
به عشق خود اسیرم کردی آندم
صفا دادی به مهرت منزلم را
ربودی این دل ناقابلم را



گل نرگس ترا هر جا ببینم دو زانو در کنارت می نشینم
مرا زیبایی دنیا چه حاصل در آنجایی که باشی همنشینم

گل نرگس ز چشم خواب رفته ز دل صبر و قرار و تاب رفته
برای دیدن ماه جمالت ز جوی دیده‌ام سیلاب رفته

گل نرگس گل خوشرنگ و بویم شده ذکر تو دایم گفتگویم
بهشت روی تو دیوانه‌ام کرد بهار سبز باغ آرزویم

گل نرگس بهار سرنوشتم نظر کن از کرم بر روی زشتم
بزرگی کن اگر در وادی عمر به باغ دل گل نیکی نکشتم

گل نرگس بیا شامم سحر کن ز خلوتگاه دل یکدم گذر کن
گرفتارم به شوق وصل رویت نظر کن بر سرشک من نظر کن

گل نرگس بیا چشم انتظارم ز هجران تو دایم اشکبارم
دلم خو کرده با عشق تو مهدی قرارم رفته از کف بیقرارم

گل نرگس فدای اشک و آهت فدای گوشه چشم سیاهت
نگاه مرحمت بر عاشقی کن که دارد دیده خونین به راحت

گل نرگس بهار شادی دل بهشت روح بخش وادی دل
گل نرگس بود روز ظهورت ظهور لحظه آزادی دل

گل نرگس گل نرگس کجایی تو که با درد و داغم آشنایی
نمی دانم به صحرای بقیعی مدینه، سامرا یا کربلایی

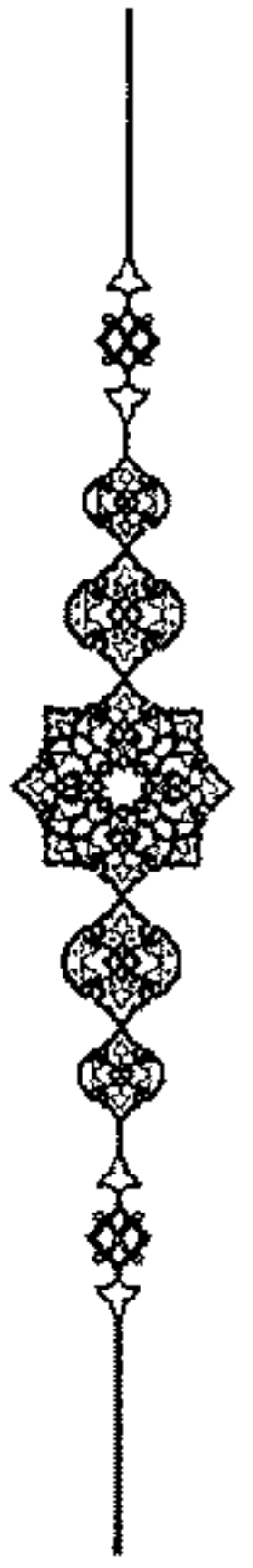
گل نرگس گل سبز وجودم گل نرگس تویی مهر سُجودم
دلم بی مهر تو ارزش ندارد گل نرگس تویی بود و نبودم

گل نرگس تویی مهر نمازم گل نرگس تو آگاهی ز رازم
شدم مجنون کویت هر شب و روز تو هستی قبله راز و نیازم

گل نرگس گل سبز بهاری صفا بخش دل امیدواری
به وصل خود دلم را شاد گردان دلم تنگ آمد از چشم انتظاری

گل نرگس ز رویت شرمسارم گرفتارم، حقیرم، بیقرارم
بگیر از لطف دست خسته ام را که غیر از معصیت چیزی ندارم

گل نرگس گل آرامش من سرود لحظه آسایش من
ز خلوتگاه دل یک شب گذر کن نظر بنما به اشک خواهش من



گل نرگس گل سبز خدایی رسول شادی صبح رهایی
بود این نغمه هر صبح و شامم گل نرگس گل نرگس کجایی

گل نرگس صفا بخش بهاران گل نرگس زلال چشمه ساران
امید عاشقان الغوث الغوث پناه و مامن امیدواران

گل نرگس پیام انقلابی میان ظلمت شب آفتابی
به دامان خطر افتاده قرآن شتابی کن شتابی کن شتابی

گل نرگس گل زیبایی دل کتاب قصه تنهایی دل
گل نرگس ترحم کن، ترحم به فریاد دل و شیدایی دل

گل نرگس به عشقت مبتلایم صفای سینه درد آشنایم
به دام معصیت گشتم گرفتار ز گرداب مُصیبت کن رهایم

گل نرگس فدای روی ماهت اسیرم در دل موج نگاهت
سر راهت نشینم هر سحرگاه که بینم جلوه خال سیاهت

گل نرگس گل عشق و صبوری تو موجی سبز از دریای نوری
اسیری در دل شبهای غربت تو خورشید سحرگاه ظهوری

گل نرگس گل باغ امیدم
ترا دارم، ندارم آرزویی
گلی چون تو درین عالم ندیدم
میان خلق عالم رو سفیدم

گل نرگس تو و لطف الهی
چه کم گردد ز بحر لطف و جودت
من و عُصیان و جرم و رو سیاهی
نمایی گر برین مسکین نگاهی

گل نرگس گل نرگس غریبم
شفای درد من در دیدن توست
تویی تنها تویی تنها حبیبم
گل نرگس تویی تنها طبیبم

گل نرگس من و فریاد و زاری
مبادا لحظه رفتن ز دنیا
سرشک و ناله های بیقراری
گل نرگس مرا تنها گذاری

گل نرگس بهار سبز باغم
اسیرم در دل امواج عشقت
میان شام تنهایی چراغم
عنایت کن بیا یکدم سراغم

گل نرگس گل نرگس کجایی
گل نرگس بده از خود نشانی
به کوه طور یا درذی طُوایی
بقیعی، در نجف یا کربلایی

گل نرگس ترا می دیدم ای کاش
کنارت می نشستم مقدمت را
به پایت عطر می پاشیدم ای کاش
به اشک شوق می بوسیدم ای کاش

گل نرگس تو اهل آسمانی چه زیبایی، صبوری، مهربانی
صفای گلشن زیبای قرآن چرا از دیده عالم نهانی

گل نرگس گل عشق و محبت سحاب مهر و لطف و جود و رحمت
غریبی ای گل نرگس غریبی اسیری در دل گرداب غربت

گل نرگس گل مهتابی من گل خشنودی و شادابی من
بیا آرامش دلهای خسته نظر کن ناله بی تابی من

گل نرگس گل فریاد خواهی گل حق جویی و آزاد خواهی
عدالت دیده بر راه تو دارد کجایی تیغ عدل و داد خواهی

گل نرگس غم پایان ندارد دل من طاقت هجران ندارد
ترحم کن به قلب خسته من که غیر از وصل تو درمان ندارد

گل نرگس عزیز جان زهرا علیها السلام که داری جای در دامان صحرا
بتاب ای اختر صبح رهایی که قرآن در غریبی مانده تنها

گل نرگس تویی تنها قرارم به یادت اشک غم در دیده دارم
گل نرگس پناه عالمی تو نظر کن دیدگان اشکبارم



گل نرگس تویی مُهر جبینم نوای نعمه‌های آتشینم
عنایت کن شبی با دیده خود ببینم ماه رخسارت ببینم

گل نرگس خدا را در تو دیدم مناجات و دعا را در تو دیدم
گل نرگس مریضم دردمندم گل نرگس شفا را در تو دیدم

گل نرگس پیام مهربانی پیام روح بخش آسمانی
که انفاس مسیحای تو باشد حیات عدل و داد جاودانی

گل نرگس چه زیبایی چه زیبا بلور چلچراغ قلب زهرا
شعاع لطفت ای ماه مُحبت بود در محفل عشاق پیدا

گل نرگس تویی شعر وجودم نوای جاری ذکر و سرودم
بنام دل گشا و دل ربایت بروی خود در شادی گُشودم

گل نرگس پیام رستگاری تو دست رحمت پروردگاری
که بر درگاه تو با چشم امید نشسته عاشقان با بیقراری

گل نرگس گل سبز خدایی تو مرآت جمال کبریایی
زالال چشمه سار رحمت حق سراپا جلوه لطف و صفایی



گل نرگس دلم را تازه کردی به مهر خویش پر آوازه کردی
کتاب برگ برگ هستیم را به دست لطف خود شیرازه کردی

گل نرگس من و این رو سیاهی تو و چشم خطا پوش الهی
برین عبد خطا کار سیه رو نگاهی کن نگاهی کن نگاهی

گل نرگس چه خوب و نازنینی اساس آسمانها و زمینی
ولی افسوس ای محبوب عالم که با غمهای عالم همشینی

گل نرگس، گل جبهه گل خون گل دلهای مهدی کیش محزون
میان جبهه‌ها سنگر به سنگر به دنبال تو بودم مثل مجنون

گل نرگس گل سجاده دل نهال سبز رنگ ساده دل
قدم بگذار یک شب یا محبت به محراب به خون افتاده دل

گل نرگس وجود آسمانی تویی صبح امید زندگانی
برین دلدادۀ هجران کشیده بکش دست وفا و مهربانی

گل نرگس فدای ناز شستت فدای دیدگان حق پرستت
به طوفان تباهیها خداوند سپرده کشتی دین را به دستت

گل نرگس گل تسبیح و تکبیر
جهان در انتظار مقدم توست
گل نرگس اسیر دست تقدیر
برون آر از نیام خویش شمشیر

گل نرگس چراغ راه عشقی
گل نرگس خدا یار تو باشد
تو خورشید هدایت، ماه عشقی
بهین اُستاد دانشگاه عشقی

گل نرگس نوای نینوایی
بجای اشک، خون در دیده داری
که با صحرای غربت آشنایی
عزادار حسین و کربلایی

گل نرگس نوای جاری غم
به یاد جد مظلوم و غربیت
نوای سوز جانسوز محرم
روان از دیده خون داری دمادم

گل نرگس خزان گشته بهارم
به دریای سرشک دیده غرقم
به هجران تو سر شد روزگارم
بیا مهدی بیا چشم انتظارم

گل نرگس تنی فرسوده دارم
اگر چه عاشقی لایق نبودم
وجودی سر به سر بیهوده دارم
تو را دارم دلی آسوده دارم

گل نرگس شبی دست دعا را
خداوند جهان هرگز نسازد
گرفتم شکر می گفتم خدا را
جدا از من گل نرگس شما را

گل نرگس فدای سوز و سازت
فدای لحظه‌های خلوت تو
فدای اشک هنگام نمازت
فدای لحظه راز و نیازت

گل نرگس گل گلدسته دین
گرفتار غریبی مانده قرآن
نهال خرم و وارسته دین
نظر کن قامت بشکسته دین

گل نرگس گل زیبای زهراء علیها السلام
صفای گلشن زهرای اطهر
گل زیبا و بی‌همتای زهراء علیها السلام
تویی تاج گل‌های زهراء علیها السلام

گل نرگس تویی درمان دردم
شدم بیمار وصل روی ماهت
شفابخش فغان و آه سردم
نظر بنمای بر رخسار زردم

گل نرگس تویی بی‌مثل و نظیری
نمی‌دانم که با این رو سیاهی
محبت داری و خیر کثیری
مرا جزو غلامان می‌پذیری؟

گل نرگس گلستان خیالم
تمام عمر در یاد تو هستم
نوای صبح و شام و ماه و سالم
ز داغ دوریت تا کی بنالم

گل نرگس غریب و بی‌کسم من
اگر دستم نگیری در قیامت
تو بحر بیکران خار و خشم من
ز فعل زشت خود دل واپسم من



گل نرگس دگرگون کن دلم را به عشق خویش مجنون کن دلم را
به وصل خویش یک شب نائلم کن ز موج درد بیرون کن دلم را

گل نرگس تو بی مثل و نظیری درخشان، مثل خورشید منیری
از آن ترسم گل نرگس نبینم گل روی ترا تا وقت پیری

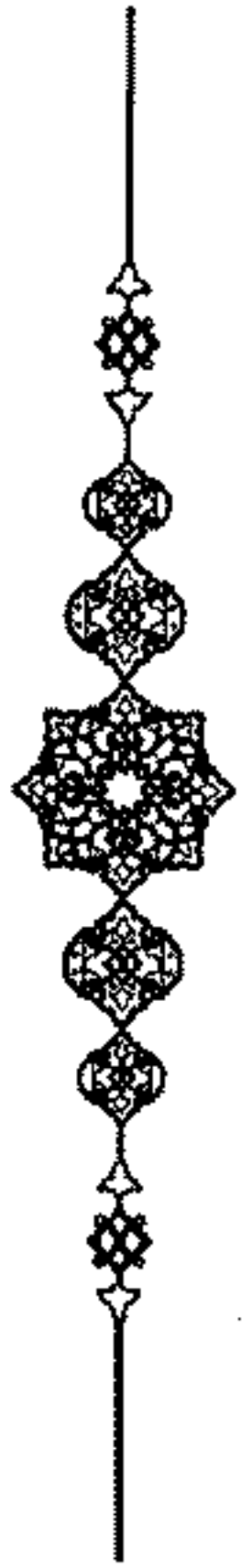
گل نرگس ببین چشم تر من ببین آتش گرفته پیکر من
ز عشقت هستی من شعله ور شد نوا می خیزد از خاکستر من

گل نرگس نگین خاتم عشق تویی رکن وجود عالم عشق
بجوش ای چشمه مهر و محبت زلال چشمه سار زمزم عشق

گل نرگس دلم بی تاب گشته زخم هم رنگ با مهتاب گشته
به گرداب غم چشم انتظاری سر شک دیده ام خوناب گشته

گل نرگس ز چشم خواب رفته ز جسم و جانم امشب تاب رفته
بیاد سالها چشم انتظاری ز جوی دیده ام خوناب رفته

گل نرگس سر شک جاریم ده برای گریه کردن یاریم ده
دلم تنگ آمده از این جدایی گل نرگس بیاد دلداریم ده



گل نرگس گل شبهای عشقی نوای جاری لبهای عشقی
گل نرگس گل سوز و گدازی گل خوشبوی یا ربهای عشقی

گل نرگس ترا هر کس ببیند تمام عمر پایت می نشیند
چنان محو تماشای تو گردد که چیزی جز رخ ماهت نبیند

گل نرگس گل دلهای بی تاب به فریادم برس اریاب اریاب
گل نرگس گرفتارم گرفتار غلام خویش را دریاب، دریاب

گل نرگس توان جسم و جانم تویی آرامش روح و روانم
رهین منم کن از محبت به خوان لطف خود کن میهمانم

گل نرگس گل اندیشه من شده ذکر مدامت پیشه من
گل نرگس ز طفلی جا گرفته درون خاک عشقت ریشه من

گل نرگس نوای صبح جمعه نوای جانفزای صبح جمعه
به ذکر خود دلم را روشنی ده صفا بخش دعای صبح جمعه

گل نرگس صفا بخش دل من چراغ نور بخش منزل من
تمام عمر من طی شد به هجرت نشد جز اشک حسرت حاصل من

گل نرگس دلم را روشنی ده دل ناقابل را روشنی ده
قدم بگذار یک شب روی چشم به رویت منزل را روشنی ده

گل نرگس حبیب هر شب من گل خوشبوی یارب یارب من
خوشا آندم که نام دلربایت شکوفا می‌شود روی لب من

گل نرگس گل بزم وصالی سراپا آیه حسن کمالی
بیا با جلوه ماه جمالت بده بر مجلس ما شور و حالی

گل نرگس گرفتارم گرفتار شفابخش دل غمگین بیمار
شدم بیمار وصل ماه رویت حجاب از چهره ات بردار بردار

گل نرگس دلی آلوده دارم شکسته قامتی فرسوده دارم
گل نرگس ترا دارم، همیشه خیال و خاطری آسوده دارم

گل نرگس ز مینای تو مستم ز جام چشم شهلای تو مستم
گل نرگس گل‌گلهای زیبا من از عطر دل آرای تو مستم

گل نرگس نوای صبح و شامم تویی ذکر سجود و هر قیامم
خوشا آندم که نام دلربایت شکوفا می‌شود در هر کلامم

گل نرگس صفا بخش کلامم تویی ذکر مدام صبح و شامم
دلم پیوسته دارد جستجویت بریز از جام وصل خود به کامم

گل نرگس گل گلهای یاسین تویی آرامش دلهای غمگین
دلم دریای خون شد، رحمتی کن اغثنی یا غیاث المستغین

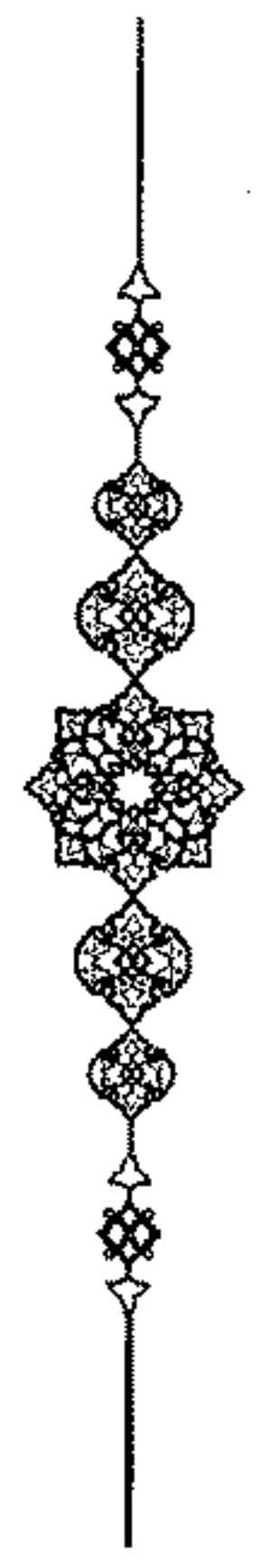
گل نرگس نوید رستگاری پیام عزتی و افتخاری
خوشا صبح ظهورت یابن زهراء علیها السلام میان اشک شوق و بیقراری

گل نرگس طیب جسم و جانم تویی آسایش روح و روانم
ز هجرت دیده‌ام شد کاسه خون ترحم کن بده صبر و توانم

گل نرگس شبم با غم سحر شد سرشکم سر به سر خون جگر شد
به طوفان غم هجر تو مهدی شب و روزم در اندوه تو سر شد

گل نرگس ز هجرانت صبورم فقط وصل تو می بخشد سرورم
به یادت نغمه می خوانم شب و روز عنایت کن شبی فیض حضورم

گل نرگس تو فخر کائناتی گل زیبای خیر الممکناتی
ز تاریکی رهایم کن رهایم تو شمع روشن راه نجاتی



گل نرگس گل سبز کتابم گل خورشید در بند حجابم
چه کم گردد ز بحر لطف و جودت شبی آبی شبی آبی بخوابم

گل نرگس کتاب سرخ عشقی حدیث انقلاب سرخ عشقی
جهان روشن شد از نور وجودت تو نوری، آفتاب سرخ عشقی

گل نرگس لبم خو کرده با تو نوای هر شبم خو کرده با تو
گرفتم آتش از سوز فراق شررهای تبم خو کرده با تو

گل نرگس گل سبز شعارم به غیر از لطف تو یاری ندارم
اسیرم در غم هجران رویت گره واکن گره واکن ز کارم

گل نرگس بهار عالم آرا نهال خوش قد و بالای زهرا علیها السلام
بیا مهدی به یمن مقدم تو جهان خشک گردد سبز و زیبا

گل نرگس تو مولایی تو آقا تو موسایی و ابراهیم و عیسی
خلیل و خضری و الیاس و یحیی محمد صلی الله علیه و آله هستی و الگوی تقوی

گل نرگس گل صبر و قرارم تمام هستی و دارو ندارم
ترا دارم چه غم از کل عالم که هستی تاج عزّ و افتخارم



گل نرگس حدیث کامیابی به شام غم، شعاع آفتابی
صدایت می‌زنم با اشک دیده جوابم ده جوابم ده جوابی

گل نرگس جهان سرشار غم شد نهال دلربای شیعه خم شد
بیا بنگر که دنیای تشیع اسیر موج گرداب ستم شد

گل نرگس دعایم را اثر ده دلم را طاقتی زین بیشتر ده
نهال شادیم خشکیده مهدی به یمن مقدم خود برگ و برده

گل نرگس گل افشان کن دلم را رها از موج و طوفان کن دلم را
نشستم بر سر کوی تو مهدی به خوان خویش مهمان کن دلم را

گل نرگس تو اعجاز خدایی تو تنها آیه راز خدایی
جهان از یمن تو گشته گلستان گل نرگس گل ناز خدایی

گل نرگس تو طاووس بهشتی محمد خصلتی، زهرا سرشتی
چرا بذر فراق خویشان را درون سینه احباب کشتی

گل نرگس سرور دیده و دل ترا دارم غم دنیا چه قابل
برای دیدن ماه جمالت به هر کوی می‌روم منزل به منزل

گل نرگس گل زیبای آزاد
به گرداب مصیبت مانده قرآن
زین بر کن بساط ظلم و بیداد
ز جور دشمنان فریاد فریاد

گل نرگس دلم آتش گرفته
ز سوز آتش عشق تو مهدی
دل ناقابل آتش گرفته
تمام حاصلم آتش گرفته

گل نرگس گل فرزانه من
جمال نازنینت گشته مهدی
صفای ساحت کاشانه من
شفابخش دل دیوانه من

گل نرگس جهان بر باد رفته
نشسته بر دل ما گرد غربت
بیا قرآن همه از یاد رفته
ز بس بر شیعیان بیداد رفته

گل نرگس تو فخر عالمینی
جهان در انتظار مقدم توست
به روی حلقه خاتم نگینی
تو تنها یادگار مُلک دینی

گل نرگس تو مصداق دعایی
شده مهرت اسیر کشور دل
تو مرآت جمال کبریایی
اگر چه ظاهراً از ما جدایی

گل نرگس گل قرآن و دینی
گل نرگس امید بی پناهان
ولایت را امید آخرین
شفیع ما به روز واپسینی

گل نرگس جهان تفسیر رویت همه کون و مکان در بند مویت
تو تاج افتخار عالمینی بود چشم همه عالم به سویت

گل نرگس ز عشقت آتشینم فراقت کرده با محنت قرینم
نشستم بر مسیرت تا بیایی که شاید روی ماهت را ببینم

گل نرگس گل گلزار دینی تو نور آسمانها و زمینی
تو راه وصل تا عرش خدایی دلیل محکم حبل المتینی

گل نرگس گل سبز پیامی امام نور در بیت الحرامی
صفایی، زمزمی، رکنی، مقامی قیامی کن، قیامی کن، قیامی

گل نرگس همیشه داغداری نوای ناله‌های بیقراری
شنیدم در غم جد غربیت به جای اشک خون در دیده داری

گل نرگس به کویت رهسپارم گهی در دشت و گاهی کوهسارم
اسیرم در دل گرداب هجران به وصل روی تو امیدوارم

گل نرگس گل لبخند زهرا علیها السلام چراغ دیده و دل‌بند زهرا علیها السلام
چرا در موج غربتها اسیری عزیز مصطفی فرزند زهرا علیها السلام



گل نرگس گلی والا مقامی سرا پا شوکتی و احترامی
گل نرگس بزن روی جبینم به دست مهر خود مهر غلامی

گل نرگس گل سبز ولایت به هر مویت نشانی از درایت
چه سان سر می‌کنی در دشت غربت حکایت کن حکایت کن حکایت

گل نرگس گل سبز سپیده گل صحرائی مِخنت کشیده
هنوز از ز داغ عاشورای خونین به جای اشک خون داری به دیده

گل نرگس گل سبز زمانه گل عشقت زده در دل جوانه
به امید وصال روی ماهت چو مجنون می‌روم خانه به خانه

گل نرگس گل سبز زمانه سرود دلربای عاشقانه
دلی دارم که هر دم در فغانست کشد آتش از آن هر سو زبانه

گل نرگس فروغ انمایی گل نرگس معز الاولیایی
پناه شیعه‌ای در هر مصیبت که تنها تو مذل الاشقیایی

گل نرگس کتاب حق نمایی شب تاریک ما را رهنمایی
گرفتار بلا شد کشتی دین درین دریا تو تنها ناخدایی

گل نرگس گل افشان کن دلم را صفا ده این دل ناقابل را
ز عطر با صفایت یاس زهرا معطر کن فضای منزل را

گل نرگس زبانم با تو گویاست وجودم، جسم و جانم با تو گویاست
چنان با خون من مهرت عجین شد که مغز استخوان با تو گویاست

گل نرگس ز بویت رفتم از هوش که عالم را همه کردم فراموش
ز جام وصلت ای فرزند زهرا علیه السلام قدح نوشم قدح نوشم قدح نوش

گل نرگس شبی اشک ترم ده به لطف خویش جان برپیکرم ده
شکسته بالم از اندوه هجران عنایت کرده و بال و پرم ده

گل نرگس حجاب از چهره بردار غم هجران مرا شد همدم و یار
گل نرگس به گرداب غم تو گرفتارم، گرفتارم، گرفتارم

گل نرگس چه محنتها کشیدم به خاک کوی تو منزل گزیدم
سر آمد روزگار نوجوانی گلی از گلشن رویت نچیدم

گل نرگس بده ما را پناهی خجل هستیم از این رو سیاهی
به راهت می نشینیم هر شب و روز دل غمگین به امید نگاهی



گل نرگس گل محبوب حیدر
گل عشقی، گل مهر و وفایی
گل زیبای گل‌های معطر
گل لطفی، وجودت مهر پرور

گل نرگس تویی سرچشمه نور
بیا صاحب لوای روزنصرت
اگر چه گشته‌ای از دیده مستور
دل غمدیدگان را ساز مسرور

گل نرگس اگر از دیده دوری
بتابان بر دلم انوار شادی
گل خورشیدی و دریای نوری
سروری ده سروری ده سروری

گل نرگس امید قلب نرگس
شده ذکر لبم پیوسته مهدی
به عشقت می‌روم مجلس به مجلس
بیا دلخستگان را یار و مونس

گل نرگس گل روز و صالم
وجودم را سراپا منفعل کن
ز هجرانت به حال ارتحالم
ز لطف خود نظر بنما به حالم

گل نرگس به لطف و رحمت خویش
به چشم عاشقان دلشکسته
دعا بنمای بهر غیبت خویش
نمایان کن درخشان طلعت خویش

گل نرگس دلی شرمنده دارم
مُقَرَّم بر گناهان فراوان
دلی از معصیت آکنده دارم
به درگاهت سر افکنده دارم

گل نرگس شرار جان مرا کشت شرار طعنهٔ عدوان مرا کشت
گل نرگس برس یکدم بدادم کہ سوز آتش هجران مرا کشت

گل نرگس دلم را زیرورو کن میان آب توبہ شستشو کن
بیا یک شب گل نرگس کنارم بہ رأفت با غلامت گفتگو کن

گل نرگس اگر از من تو دوری ولی روشن تر از دریای نوری
اگرچہ دیدن روی تو سخت است صبوری می‌کنم بی تو، صبوری

گل نرگس امیر کشور دل تو هستی رهنما و رہبر دل
ز رویت شرمسارم چون ندارم بہ غیر از معصیت در دفتر دل

گل نرگس نوای سوز و سازم نوای نغمہ‌های جانگذارم
خمیدہ قامتہ از بار ہجران چہ سازم بی تو یا مہدی چہ سازم

گل نرگس مرا یک شب صدا کن مرا در سجده‌های خود دعا کن
خلاصم کن ز گرداب فراق ز قید و بند این عالم رها کن

گل نرگس بہشت باور من انیس سینۂ غم پرور من
گرفتار و اسیرم دردمندم تویی تنها امید و یاور من



گل نرگس صفای گلشن دل شده خال سیاهت رهزن دل
ز عشقت هستی ام آتش گرفته شرر افکنده ای در خرمن دل

گل نرگس عنانم رفته از کف توان جسم و جانم رفته از کف
صبوری در غم هجر تو سخت است همه صبر و توانم رفته از کف

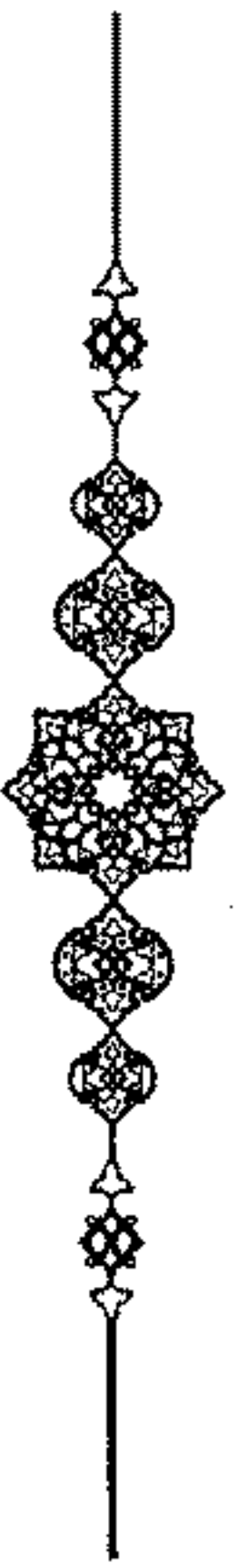
گل نرگس دلی بی غم ندیدم دلی بی ناله و ماتم ندیدم
از آن رو درد خود با کس نگفتم که غیر از تو کسی محرم ندیدم

گل نرگس تویی تنها پناهم به خاک راه تو باشد نگاهم
خجالت دارم از رویت دریغا ز کردار بد خود رو سیاهم

گل نرگس اسیر دست عشقم چو مجنون واله و سرمست عشقم
به گرداب غم عشقت اسیرم پریشان خاطرم پابست عشقم

گل نرگس شدم با درد مأنوس که از رخسار زردم گشته محسوس
سر آمد زندگی با داغ هجران زدم بر هم کف افسوس، افسوس

گل نرگس گنه شد سدّ راهم تمام عمر غرق اشتباهم
خجالت دارم از ماه جمالت سرا پا غرق عصیان و گناهم



گل نرگس گل اندیشه دل شرار غم زده بر ریشه دل
دلم از سوز هجرانت شکسته زده سنگ قضا بر شیشه دل

گل نرگس شکوه اعتبارم ولیّ امر و صاحب اختیارم
نشینم بر سر راهت بیایی سر کوی تو بستر میگذارم

گل نرگس سخن بسیار دارم به دل داغ فراق یار دارم
گل نرگس دلم امید وار است که مانند تویی دلدار دارم

گل نرگس فدای مادر تو فدای خاک پای مادر تو
کجا بودی که تا عرش خدا رفت ز پشت در صدای مادر تو

گل نرگس امید زندگانی گل خوشبو و زیبای جوانی
خزان شد گلشن دین رحمتی کن ندارد این گلستان باغبانی

گل نرگس مرا آب بقاده دلم را سر به سر شور و نوا ده
گرفتار غم عشقم کن آنگه دلی با داغ عشقت مبتلا ده

گل نرگس سفر کردم به هر جا گذر کردم ز کوه و دشت و دریا
برای دیدن ماه جمالت شدم آواره دامان صحرا

گل نرگس شوم قربان چشمت
جهان در حلقه زندان چشمت
گل نرگس سر و جانم فدایت
نهم سر بر خط فرمان عشقت

گل نرگس به وصلت واصلم کن
به دیدار جمالت نائلم کن
اگر ناقابلم بنما عنایت
به تشریف وصالتم قابلم کن

گل نرگس گل باغ رسالت
فدای عطر و بوی بی مثالتم
گل نرگس بده توفیق یک شب
بگیرم کام از جام وصالتم

گل نرگس امام اولیایی
دلیل گردش ارض و سمایی
جهان بر پاست از یمن وجودت
تو تنها رهبر ملک ولایی

گل نرگس زلال کوثر اشک
عقیق لاله گون و احمر اشک
بلور چلچراغ دیده من
بود نام تو تنها زیور اشک

گل نرگس شدم خوشبو ز عشقت
گرفتم عطر و رنگ و بوز عشقت
نشستی بر لب لبهای اشکم
گرفتم هدیه نیکو ز عشقت

گل نرگس به عشقت کامیابم
برای دیدنت در التهامم
شب و روزم یکی شد در فراقتم
ز هجرت دائماً در پیچ و تابم

گل نرگس بهاران را صفا نیست زلال چشمه ساران را صفا نیست
به بزم عاشقان یک شب نظر کن که بی تو بزم یاران را صفا نیست

گل نرگس امید اولیایی به سوز درد غربت آشنایی
به دلها مانده زخم درد هجران ندارد جز وصال تو دوایی

گل نرگس محبان اشکبارند شب و روز از فراق ناله دارند
برای دیدن ماه جمالت امید عالمین امید وارند

گل نرگس ز هجرت آتشینم شده اندوه و ماتم همنشینم
حجاب از چهرهات بردار مهدی که از رویت گل شادی بچینم

گل نرگس قرار بیقراران چراغ دیده چشم انتظاران
پناه عالمین است آستانت امید و مأمّن امیدواران

گل نرگس تمنای تو دارم هوای قدّ رعناى تو دارم
دلم پیوسته میگیرد بهانه هوای روی زیبای تو دارم

گل نرگس غم بسیار دارم شرار از طعنه اغیار دارم
طیب دردمندان کی میآیی ز هجرانت دلی بیمار دارم



گل نرگس گل دل‌های پر خون
قسم بر عمه‌ات مظلومه زینب
گل دل‌های ماتم خیز و محزون
ز درگاہت مرا منمای بیرون

گل نرگس بهشت باور ما
دل ما خون شد از داغ جدائی
تویی تنها انیس و یاور ما
نظر کن دیده و اشک تر ما

گل نرگس زبان دیده اشک است
گرفته سینه‌ام از داغ هجران
فغان این دل غمدیده اشک است
نوای سینۀ رنجیده اشک است

گل نرگس گل گل‌های شادی
دلم را شاد کن با مقدم خود
چه زیبا خصلت و نیکو نهادی
شبی بنما ازین دلخسته یادی

گل نرگس شتابی وقت تنگ است
گل نرگس مسلمانان اسیرند
جهان شیعه در گرداب جنگ است
چنین ذلت برای شیعه ننگ است

گل نرگس چه خوشبویی چه زیبا
خودم حائل شدم بر دیدن تو
شده عطر جمالت عالم آرا
تو پیدایی، تو پیدایی، تو پیدا

گل نرگس امام راستینم
به یادت بر لب جو می‌نشینم
تویی محبوب خوب و نازنینم
مگر عکس ترا در آب ببینم

گل نرگس روم دایم به هر سو به دنبال تو می‌گردم به هر کو
نشانی شاید از رویت ببینم گل نرگس گل گلهای خوشبو

گل نرگس ز اشک و آه و ناله شده رخسار من چون برگ لاله
ز مژگانم فرو شد شبم اشک به یاد شام و آن طفل سه ساله

گل نرگس فدای خاک پایت فدای نغمه‌های دلربایت
ابا صالح من و لطف تو مولا گدایم من گدایم من گدایت

گل نرگس چو نی در نینوایم عزادار بقیع و کربلایم
به یاد مادر و جد غربیت سرشک از دیده جاری می‌نمایم

گل نرگس ز دل دارم شراره دلی از تیغ هجران پاره پاره
عنایت کن شبی در کنج خلوت نمایم ماه رخسارت نظاره

گل نرگس ز هجرانت غمینم شرر خیزد ز آه آتشینم
برای دیدن ماه جمالت سر راه تو دائم می‌نشینم

گل نرگس فدای قد و بالات فدای طلعت نیکو و زیبایات
شنیدم در بیابانها غریبی فدای آن دل غمگین و تنهایات



گل نرگس غریبی تو غریبی گرفتار غمی، محنت نصیبی
فدای ناله مظلومی تو حبیبی یا حبیبی یا حبیبی

گل نرگس تویی مهر منیرم که در پیچ و خم زلفت اسیرم
دلم می‌خواست رویت را بینم که از خال جمالت بوسه گیرم

گل نرگس تویی تنها نگارم به لب نام دلارای تو دارم
چراغ روشن شبهای تارم تویی گل نغمه لیل و نهارم

گل نرگس بهار من خزان شد غمت در خانه دل میهمان شد
گل نرگس گل سبز امیدم ز هجران سرو قد من کمان شد

گل نرگس به محنتها قرینم شده داغ فراقتم همنشینم
دلم می‌خواست از باغ وجودت شبی گل بوسه شادی بچینم

گل نرگس برون شد صبر و تابم ز هجرت دم بدم در اضطرابم
سلامت می‌کنم، چشم انتظارم جوابم ده، جوابم ده، جوابم

گل نرگس بیا دورت بگردم نظر بر درگه لطف تو کردم
شفای قلب بیمارم تو هستی طبیب من تویی درمان دردم

گل نرگس شده قدم خمیده شرار سینه تا گردون کشیده
غم هجران دلم را غرق خون کرد که شادی از دل من دل بریده

گل نرگس فدای روی ماهت جهان قربان انوار نگاهت
بیا مهدی بیا تا هستیم را به کف گیرم کنم تقدیم راحت

گل نرگس قسم بر اشک و آهت قسم بر جذبه‌های هر نگاهت
قبولم کن به درگاهت نشینم پناهم ده بمانم در پناحت

گل نرگس گل شعر خدایی گل گلوآژه‌های کبریایی
عنایت کن که اشعارم تمامی بگیرد رنگ و بوی کربلایی

گل نرگس گل سبز حیاتی چراغ روشن راه نجاتی
رها کن شیعه را از قید محنت تو حلال تمام مشکلاتی

گل نرگس گل سبز زمانی غریبی، بی کسی، بی آشیانی
گل نرگس گل زیبای زهرا علیها السلام چرا از دیده، یاران نهانی

گل نرگس کلید شهر نوری تو خورشید مهبای ظهوری
اسیرم در دل گرداب، هجران صبوری می‌کنم بی تو صبوری



گل نرگس شبی بر من نظر کن
به عشق خود بزن آتش دلم را
میان بحر عشقت غوطه ور کن
وجودم را تمامی شعله ور کن

گل نرگس نصیبم شد غم تو
شدم بیمار وصل روی ماهت
بیا تنها حبیبم شد غم تو
که دارو و طبیبم شد غم تو

گل نرگس شدم بیمار هجران
تمام هستی من سوخت مهدی علیه السلام
قدم خم گشته زیر بار هجران
میان آتش تبار هجران

گل نرگس به عشقت لب گشودم
مگر دستم بگیری در قیامت
کتابی از گل نرگس سرودم
گل نرگس تویی بود و نبودم

گل نرگس دلم شد رام عشقت
نشستم بر سر کوی تو مهدی (عج)
اسیرم در میان دام عشقت
ندارم خانه‌ای جز بام عشقت

گل نرگس دهم هر شب سلامت
بیا ای مُنجی دین محمد صلی الله علیه و آله
سلام من به اجداد گرامت
بکش شمشیر حق را از نیامت

گل نرگس گل سبز خدایی
به امید کرم سویت گرفتم
دلارایی، صبوری، با صفایی
به دست خویش کشکول گدایی



گل نرگس گل زهرا نشانه دلم دارد ترا هر دم بهانه
کجایی یا ابا صالح کجایی زده مهر تو در قلبم جوانه

گل نرگس صفا بخش حیاتم تو هستی ساحل امن نجاتم
به لطف خود دلم را شادگردان ببالینم بیا وقت مَمّاتم

گل نرگس فقیری مستمندم شدم بیمار عشقت دردمندم
دلم می خواست با دیدار رویت درین عالم نمایی سر بلندم

گل نرگس به کویت خیمه دارم به دشت آرزویت خیمه دارم
گل نرگس بهشت آرزوها به خاک مشکبویت خیمه دارم

گل نرگس سر و جانم فدایت صدایت می زنم هر شب صدایت
به جان مادرت مظلومه زهرا علیها السلام دعایم کن به هنگام دعایت

گل نرگس جهان را رهبری کن به لطفت شیعه را غم پروری کن
هوای سامرا دارد دل من نصیبم بارگاه عسگری کن

گل نرگس گل باغ خدایی گل لطفی، گل مهر و وفایی
صبوری، مهربانی، با صفایی گل ذکر و مناجات و دعایی

گل نرگس فدای غربت تو فدای درد و رنج و محنت تو
گل نرگس گل نرگس الهی ببینم لحظه‌های نصرت تو

گل نرگس دلم لبریز غم شد دلم دریای ماتم خیز غم شد
به هجران وصال روی ماهت بهار عمر من پائیز غم شد

گل نرگس تویی مُهر نمازم صفای لحظه راز و نیازم
برای دیدن مهتاب رویت تمام عمر در سوز و گدازم

گل نرگس گل باغ پیمبر صفای گلشن زهرای اطهر
ز عطر روی خود گل خانه‌ام را معطر کن معطر کن معطر

گل نرگس هنوز امیدوارم برای دیدنت چشم انتظارم
خوشا آن‌دم که بالینم بیایی دم رفتن، زمان احتضارم

گل نرگس ز هجرت در عذابم ز داغ دوریت بی صبر و تابم
اگر چه عاشقی لایق نبودم جوابم ده، جوابم ده، جوابم

گل نرگس تویی مشکل‌گشایم به درگاهت به امید عطایم
گرفتارم، مریضم، دردمندم شفایم ده، شفایم ده، شفایم

گل نرگس تو تنها چاره سازی تشیع از تو دارد سرفرازی
جهان ریزه خور خوان تو هستند کرامت داری و مهمان نوازی

گل نرگس به عشقت زنده‌ام کن ز نور معرفت آکنده‌ام کن
اگرچه عاشقی لایق نبودم ز لطف و مهر خود شرمنده‌ام کن

گل نرگس به تو دارم ارادت به عشقت خو گرفتم از ولادت
پس از عمری غلامی در رکابت نصیبم کن، نصیبم کن شهادت

گل نرگس گل سبز امامت گل زیبای دشت استقامت
دعا کردم بمانی تا قیامت همیشه سر بلند و راست قامت

گل نرگس غمت باشد به دوشم ز جام غربت تو جرعه نوشم
عنایت کن شبی در کنج خلوت نوای دل کشت آید به گوشم

گل نرگس امید و افتخارم ز تو باشد تمام اعتبارم
غم هجران رویت برده از کف قرارم، صبر و تابم، اختیارم

گل نرگس تو حل مشکلم کن نظر بر دیده و خون دلم کن
اگر چه ذره‌ای ناقابل من به تشریف وصال نائلم کن +



گل نرگس گل جود و تفضل
برای دیدنت پیوسته هر شب
نمودم داغ هجران را تحمل
به سویت می زنم دست تو سل

گل نرگس گل آزادی ما
شب میلادت آمد ای گل ای گل
گل عیش و سرور شادی ما
شده وقت مبارکبادی ما

گل نرگس شب شادی رسیده
شب میلاد تو از سینه ما
طلوع صبح آزادی دمیده
غم و اندوه و ماتم دل بریده

گل نرگس شوم قربان نامت
شب میلادت آمد ای گل ای گل
بهار آمد ز آهنگ پیامت
به شادی می دهم هر دم سلامت

گل نرگس گل امید و لبخند
شب میلادت آمد ای گل ای گل
جهان باشد به تو پابند پابند
همه ذرات هستی گشته خرسند

گل نرگس تمام بود و هستم
شب میلاد تو با چشم امید
به عشقت پای بستم پای بستم
به دیدار مه رویت نشستم

گل نرگس شب جشن و سرور است
جهان از نور رویت گشته روشن
شب عشق و شب فیض حضور است
شب میلاد تو میلاد نور است



گل نرگس شده هنگام شادی نشسته مرغ دل بر بام شادی
شب میلاد تو پیوسته دارد برای عاشقان پیغام شادی

گل نرگس گل رویت چه زیباست شب میلاد تو میلاد گلهاست
شب میلاد مسعود تو ای گل شب خوشنودی نرجس و زهراست

گل نرگس شب شور و شغف شد غبار غم ز دلها بر طرف شد
شب میلاد و وقت شادی آمد شب پاکوبی و هنگام کف شد

گل نرگس گل سر سبز احمد گل زیبا و خوشبوی محمد صلی الله علیه و آله
جهان گردد به قربان جمالت شب میلاد تو آمد خوش آمد

گل نرگس گل سبز عبادت به تو از کودکی دارم ارادت
نظر کن بر من غمگین خسته درین فرخنده شب، عید ولادت

گل نرگس زلال آب کوثر چراغ دیده از خون دل تر
خوشا آن شب که می گشتم سراغت میان جبهه ها سنگر به سنگر

گل نرگس گل میدان جنگم گل زهرایی خوب و قشنگم
خوشا شبها و خلوتهای جبهه که ذکر بود و قرآن و تفنگم

گل نرگس ز عشقت در خروشم
صدای دل ربایِ نازنینت
چو مجنون از غمت خانه بدوشم
شبی ای کاش می آمد بگوشم

گل نرگس صفای جبهه بودی
به سنگرهای خلوت در دل شب
تو تنها آشنای جبهه بودی
نوای نینوایی جبهه بودی

گل نرگس تو جا در جبهه داری
گل نرگس گل شبهای حمله
هزاران آشنا در جبهه داری
تو صدها جان فدا در جبهه داری

گل نرگس گل گلهای خونرنج
دلم دارد هوای دیدن تو
گل شبهای رزم و عرصه جنگ
ز هجرانت شدم دل تنگ دلتنگ

گل نرگس گل چشم ز خون تر
قدم بگذار یک شب در کنارم
گل جبهه، گل زیبای سنگر
که گیرد خاکریزم از تو زیور

گل نرگس گل شبهای جبهه
خوشا یاد شما و خلوت ما
شرار شعله و تبهای جبهه
دعا و ذکر و یاربهای جبهه

گل نرگس گل گلزار زهرا علیها السلام
کجا بودی که نیلی شد ز سیلی
صفای سینه تبار زهرا
میان کوچه ها رخسار زهرا

گل نرگس گل آزاد زهرا علیها السلام امید خاطر ناشاد زهرا علیها السلام
 نبودی بشنوی شهر مدینه میان کوچه‌ها فریاد زهرا علیها السلام

گل نرگس به محنت خو گرفته ز احمد خصلت نیکو گرفته
 نبودی تا ببینی مادرت را ز غربت دست بر پهلو گرفته

گل نرگس گل گلهای عالم گل اشک و گل سوز و گل غم
 سرشک و خون ز چشمت گشته جاری به یاد داغ جانسوز محرم

گل نرگس گل گلهای عالم نشستی روز و شب در محفل غم
 حسین و کربلا را گر ندیدی تمام روزهایت شد محرم

گل نرگس گل گلهای کوثر گل خوشبوی گلزار پیمبر
 نبودی کربلا ماتم بگیری کنار زینب و تنهای بی سر

گل نرگس گل گلهای اسلام نبودی کربلا و کوفه و شام
 سر ببریده جد غربیت ز روی نیزه‌ها می داد پیغام

گل نرگس ز دل دارم شراره دلم از تیغ غم شد پارم پارم
 بیاد حنجر عطشان اصغر شده دامان چشمم پر ستاره



گل نرگس گل دل‌های پر جوش
به اشک دیدگان جد غربیت
گل دل‌های عشاق کفن پوش
بغل بگرفت قاسم را در آغوش

گل نرگس گل زهرای اطهر
نبودی کربلا گل بوسه سازی
گل نرگس گل خوب و معطر
نثار پیکر عباس و اکبر

گل نرگس گل پاک و مطهر
ز تیر دشمنان شد پاره پاره
گل نرگس گل گلزار حیدر
گلوی نازک و عطشان اصغر

گل نرگس گل زهرای اطهر
کجا بودی در عاشورا ببینی
گل گلزار خوشبوی پیمبر
که گلزار حسینی گشته پرپر

گل نرگس گل گل‌های ایمان
به قربان سر جد غربیت
گل عشق و صفا و روح عرفان
که روی نیزه‌ها می خواند قرآن

گل نرگس گل آرام سینه
نبودی شمر ملعون را ببینی
گل خوشبوی صحرای مدینه
که زد سیلی به رخسار سکینه

گل نرگس شنیدم اشکباری
به یاد غربت جد غربیت
به جای اشک خون در دیده‌داری
صبوری، داغ‌داری، بیقراری

گل نرگس گل گل بوته دین نبودی عصر عاشورای خونین
بروی پیکر جد غربیت کنار زینب محزون و غمگین

گل نرگس گل هجران کشیده گل درد و بلا و داغدیده
نبودی در کنار عمه خود زنی بوسه به رگهای بریده

گل نرگس شده ماتم نصیبت شده خون جگر تنها حبیبت
نبودی کربلا همراه سجاد علیه السلام کفن سازی تن جد غربیت

گل نرگس گل سبز خدایی به اشک و آه و محنت آشنایی
نبودی کربلا جد غربیت کفن شد پیکرش با بوریایی

گل نرگس دل و جان گریه می کرد همه کوه و بیابان گریه می کرد
سراسر کربلا غم بود و زهرا علیه السلام در آن شام غریبان گریه می کرد

گل نرگس گل زیبای قرآن گل نرگس گل اشک یتیمان
سرشک کودکان خون جگر بود به دشت کربلا، شام غریبان

گل نرگس گل اشکت خدایی است سرشک دیدگانت کربلایی است
گل نرگس شنیدم تا قیامت نوای ناله‌هایت نینوایی است

گل نرگس گل سرخ محرم
شنیدم در عزای جد پاکت
گل اشک و گل ماتم، گل غم
گرفتی تا قیامت بزم ماتم

گل نرگس تو با محنت قرینی
گذشته قرن‌ها پیوسته مهدی
شنیدم با مصیبت همنشینی
عزادار حسین علیه السلام و اربعینی

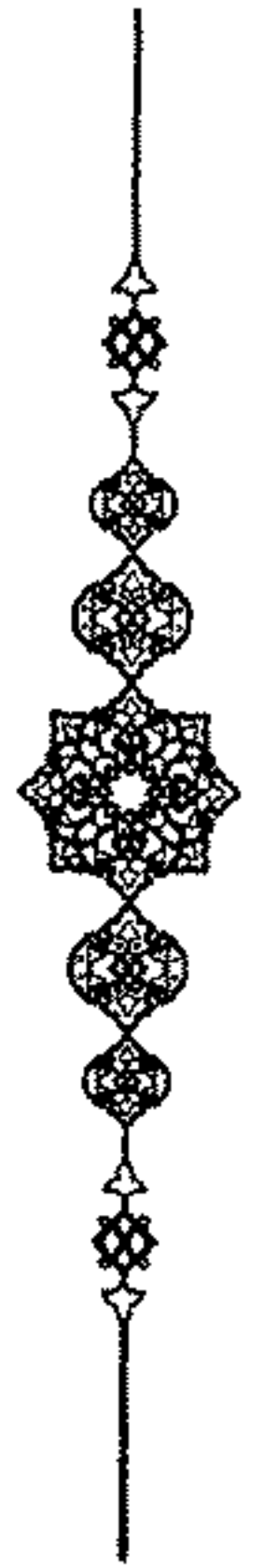
گل نرگس گل خون شهیدان
مرا در راهشان ثابت قدم کن
گل دل‌های محزون شهیدان
به حق خون گلگون شهیدان

گل نرگس گل زیبای هستی
به یاد جد مظلوم و غریبت
نهال خرم یکتا پرستی
میان خیمه ماتم نشستی

گل نرگس گل دل‌های خسته
نبودی در دل محراب کوفه
گل دل‌های در ماتم نشسته
نهی مرهم بر آن زخم شکسته

گل نرگس گل اشک و گل آه
فدای جد مظلومت که شبها
گل فریادهای سخت و جانکاه
فغان و ناله می‌زد در دل چاه

گل نرگس گل محراب کوفه
کجا بودی سحرگاه شب قدر
گل آه دل بی تاب کوفه
که شد شق القمر مهتاب کوفه



گل نرگس دل مهتاب خون شد دل خورشید عالمتاب خون شد
ز خون اولین مظلوم عالم دل سجاده و محراب خون شد

گل نرگس گل سبز بهاره نبودی کوفه و دارالعماره
ببینی در غریبی مانده مسلم شده جسم شریفش پاره پاره

گل نرگس به دل داری شراره دلی از درد ماتم پاره پاره
به یاد حنجر خونین اصغر ز چشمت اشک و خون ریزد هماره

گل نرگس شرر در سینه داری شب و روز از مصیبت اشکباری
به یاد قاسم و عباس و اکبر شده چشمت چو ابر نو بهاری

گل نرگس جمالت دل نشین است ولی سوز نوایت آتشین است
شنیدم ناله‌های جانگذارت به یاد زاده ام البنین است

گل نرگس گل گلهای محبوب گل نرگس گل زهرا گل خوب
نبودی روز عاشورا ببینی که گلهای نبوت شد لگدکوب

گل نرگس گل گلهای احساس گل عیسی گل خضری و الیاس
نبودی کربلا همراه جدت ببوسی پیکر خونین عباس

گل نرگس گل سبز خدایی	گل اشک و گل سوز دعایی
به یاد مادر و جد غریبت	شنیدم در بقیع و کربلایی



گل نرگس گل گلهای زیبا	چه زیبایی صبوری و شکیبیا
گل نرگس فدای اشک چشمت	که می بارد کنار قبر زهرا



گل نرگس گل دلهای خسته	گل دلهای درماتم نشسته
گل نرگس کجا بودی بیایی	کنار مادر پهلو شکسته



گل نرگس سرشک دیده خون شد	فغان و ناله ام از حد فزون شد
ز خون سینه زهرای اطهر	دل مسمار در هم لاله گون شد



گل نرگس گل گلهای زیبا	اسیر غربت دامان صحرا
گل نرگس شنیدم ناله داری	بیاد بازو و پهلو زهرای



گل نرگس گل زهرا عزیزی	مسلمان دوستی کافر ستیزی
شنیدم سالها با حزن و اندوه	ز داغ مادر خود اشک ریزی



گل نرگس ز ماتم پیر گشتی	اسیر دامن تقدیر گشتی
ز داغ مادر مظلومه خود	دگر از زندگانی سیر گشتی



السلام علیک یا ابن مهزیار اهوازی

اینجا کجاست کوی غریبان داغدار
 اینجا کجاست مأمَن دل‌های بیقرار
 اینجا کجاست خانهٔ عشق حبیب عشق
 اینجا کجاست وعده گه وصل روی یار
 بوی بهشت می‌وزد از خاک اطهرش
 پیوسته بر مشام عزیزان رهگذار
 از آتش نوا ی غریبان خسته دل
 بر خرمن وجود خلائق زند شرار
 عطر وجود اقدس مهدی (عج) فاطمه علیها السلام
 پیوسته می‌برد ز دل سینه‌ها قرار
 چشم انتظار جلوۀ محبوب کبریا
 اینجا کجاست جای همدلی و صحبت نگار
 آرامگاه عبد خدا و حبیب حق
 محبوب کبریاست علی بن مهزیار
 اهواز کربلای شهیدان راه عشق
 بر این مکان همیشه نموده است افتخار
 «سائل» گلاب دیده برین خاک می‌زند
 کی می‌رسد ز جادهٔ شب صبح انتظار



آستان مقدس صاحب الزمان (عج)

شهر شوستر

بوی گل می آید از این آستان

بر مشام عاشقان خسته جان

اعتبار و افتخار شوستر

شهر عشقِ عارفان، دارالامان

از حریمش مرغ دل پر می کشد

از زمین پیوسته بر قاف زمان

مکتب آئین سرمستان عشق

آستان بقعه صاحب زمان

موج رحمت می رود تا آفتاب

زین مکان دائم به سوی آسمان

عطر مهدی (عج) در فضا پیچیده است

بوی جنت آید از این بوستان

میرسد بر خسته دلهای غریب

هر طرف از بلبلان نغمه خوان

نغمه یابن الحسن یابن الحسن

الامان الغوث الغوث الامان

خسته شد جانها ز درد انتظار

رفته از دلهای همه صبر و قرار





می‌رسد عطر بهشتی بوی یار
زین مکان بر شامه هر رهگذار
جذبه این آستان با صفا
می‌رباید از کف دلها قرار
کعبه دل‌های غمگین و غریب
قبله گاه مردم امید وار
سر نهاده آفتاب آسمان
پای خاک آستانش شرمسار
در طواف بارگاه اقدسش
روز و شب خیل ملائک بی شمار
در فراق روی مهدی (عج) می‌چکد
خون دل از دیدگان اشکبار
میرسد پیوسته فریاد دعا
از دل هر عاشق شب زنده دار
بار هجران می‌کشد بر دوش خود
هر دل بشکسته چشم انتظار
چشم‌ها در انتظار روی دوست
اشک ریزان هر طرف در جستجوست

چشم اینجا درّ نابت می‌دهد

گنجهای بی حسابت می‌دهد

ذره سان دل می‌برد تا جایگاه

در حریم آفتابت می‌دهد

مانده گر فریادهایت بی جواب

هست اینجا کس جوابت می‌دهد

تشنه و صلی بیا در بزم یار

او به وصل خویش آبت می‌دهد

ای که عمری جز گناهت هیچ نیست

دست فیاضی ثوابت می‌دهد

گرچه سوز آتش درد فراق

زد به جان آتش، عذابت می‌دهد

صبح امید وصال روی دوست

بی تأمل صبر و ثابت می‌دهد

حرکتی باید که تنگ آمد زمان

عشق خود اینجا شتابت می‌دهد

«سائلان» اینجا پناه آورده‌اند

رو سوی این بارگاه آورده‌اند

* * *